



پشتیبانی و ستایش مجاهدین خلق ایران از اقدام و پیشنهاد قطع وابستگی صنایع کامپیوتری

مجاهدین خلق ایران ضمن اعلام پشتیبانی از پیشنهادات و اقدام ضد امپریالیستی کارکنان خدمات ماشینی آموزش و پرورش مبنی بر عدم پرداخت اجاره بهای تحمیلی کامپیوترهای آمریکائی، همبستگی کارکنان خدمات ماشینی جرمال تایر کمپنه ماشین سازی تبریز، شورای مرکزی توانیر و سایر مؤسسات را با این حرکت انقلابی می ستایند. باشد تا مقامات مسئول یا لغو قراردادهای و صادرات ماشینیهای کامپیوتری امپریالیستی که ۸۵٪ آن در اختیار دولت میباشد به پیروی از خطوط ضد استعماری امام خمینی، بار سنگین بیش از ۳/۵ میلیارد تومان در سال هزینه آن را از دوش زحمتکشان این مرز و بوم بکشند. مرکز امپریالیسم آمریکا - درود بر کارکنان انقلابی خدمات ماشینی

بزرگداشت شهادت سردار جنگل
اعزوز مجاهدین خلق ایران ادامه تاریخی راه سردار جنگل را در حجاب و هرجه بشیراز مواضع فاطمه میربالیسی امام خمینی یافته اند.
بام جدا
بام خلق قهرمان ایران
یازدهم آذرماه، سالروز شهادت میرزا کوچک خان سردار بزرگ انقلابی گرامی باد.
مجاهدین خلق ایران خاطره تابناک این سردار انقلابی خلق را عزیز میدارند و شورانگیزترین نهیست و سیاسی انقلابی را بنشان غرورتنش میارند. سردار
بقیه در صفحه ۲

سال اول - شماره ۱۲ - دوشنبه ۱۲ آذرماه ۱۳۵۸ - تک شماره ۱۵ ریل

عاشورای امسال، درفش سرخ شهادت در کف، و سرود فتح و بشارت بر لب



نقش نیروهای مسلح مردمی در تاریخ معاصر میهن ما
خلع سلاح (۳)
بعد از آنهبه فدائیکاری و رسالت مجاهدین صدر مشروطه خلع سلاح میشوند.

در تاریخ سارارت خوار ۷۰ ساله سپه مان ناعد بودیم که چگونه مبارزات خلق ما در نبره جاسارها و مذاکراتهای شروهای مسلح مردمی اوج و اعلا یافته و آنگاه که نسبت به وجود آنها احساس بی ساری پیدا آمده و با خطرات حاکمیت ارجاع آنان را از دور خارج کرده اند، چگونه فروکش کرده و دچار رکود شده است. در صدر مشروطه آنجا که صرف تا تمامی دستاوردهای تمام مردم از

گزارشی از مراسم عاشورای حسینی

از هیئت هیات باعداد روز ششم روزی در عصر هجرت از سهرای مختلف سوی حیوانات و میدانهای اصلی شهر حرکت درآمده و در مدت کوتاهی سبل خروشان خلق موج زمان تمامی سطح شهر بزرگ تهران را فراگرفت.
روز عاشورا مقابل حاسوخانه آمریکا و حسان آبدالله طالبانی همچون دیگر قسمتهای شهر بصورت محل برگزاری بزرگترین تظاهرات ضد امپریالیسم در آمده بود.
عاشورای پارسل میلیونها منت گره کرده در مسیر میدان آزادی شعار "برگ برشاه" را تکرار می کردند. اما عاشورای امسال با ارتقائی جدید شعار ضد امپریالیستی "مرگ بر کارتر" بود که توسط میلیونها ایرانی تکرار می شد و همه مستحقا علیه این سلطان بزرگ فرس نشانه رفته بود.

ادامه راه حسن در سرباز کونونی ایران، مبارزه با امان بر علیه امپریالیسم است
حزقی که خود بانکر رسد نتانان انقلاب و آگاهی مردم و وجود عنصر عینی برای پذیرش مراحل بعدی مبارزه و نشان دهند، شکل گیری طرز تفکر جدیدی در میان نودهها نسبت به دشمن اصلی خلقان یعنی امپریالیسم آمریکا می باشد. و اینکه در مقطع کنونی تاریخ، ادامه تمام حسیتی را در عمق پندیدن به مبارزه ضد امپریالیستی می بینند.

در روز عاشورا با نگاهی گذرا و کوتاه بر سراسر شهرهای این میهن خونبار، مردمی بر سر و با امان را

چه باید کرد؟

علاج همه دردهای بی درمان امروز، در ادامه دادن و هر چه عمیق تر کردن مبارزه ضد امپریالیسمی آمریکائی نهفته است.

پیام مجاهدین خلق به تمام مردم و نیروهای انقلابی و مردمی: پیش بسوی رسته کن کردن نفوذ آمریکا.

عمده ترین داروی کنونی دردها

چه خوب شد که در بحبوحه مشکلات و گرفتاریهای متعدد جد سیاسی و اقتصادی و مطالبی و انواع و اقسام فقر و تنگداری... خلق ما بار دیگر طمع شیرین و انقلابی وحدت را در جریان تورانگیر مبارزه ضد امپریالیستی - که به همت دانشجویان پیرو خط امام، بالا گرفت - تجدید کرد. در همین جا بود که همه مردم همه طبقات و اقشار، پیش از پیش یکپسند و یکپارچه گرد، امام خلق کردند و نبرد ضد استعماری را فریاد کشیدند. امام خود چنین خواسته و گفته بود: "در این امر حیاتی قشرهای ملت با همستگی که دارند و با حرکت سیاسی و مذهبی که دارند لازم است وحدت خود را حفظ نموده و علیه حیایات بیستار دولت آمریکا موضعی خصمانه گرفته و اشکال تراشی و تفرقه اندازی که سود دشمنان کشور ما است

بناستی هم که برای نیروهای انقلابی واقعی یک چیز میتواند از این سرت بجز تر باشد؟ چرا که دیگر پس از ماهها نومان انقلابی، خط سیر اصولی خود و همان سنای عینی وحدت را با یافته بود. خصوصاً که امام تاکید نمود که همه قلبها و قدما و تفکرها بایتی به سوی امپریالیسم آمریکا نشانه رود. و بیاد می آوریم که چهاردهم آذرماه گذشته بر سر هزار مصلحت طلب این سلسله ملی پایداری ضد امپریالیستی - برادرمان میگفت: ما تفرقه اندازی و تفرقه را سهر شکل و سهر صورت محکوم میکنیم. و خواستار وحدت کلمه هستیم. اما مسأله این است که وحدت چگونه در چه راهی ایجاد میشود؟ اگر مثالی بخواهیم بزنیم، وقتی دیوفا با هم دعوا دارند وحدت آنها، در مسیر حل این دعوا، در مسیر حل این اختلاف و در مسیر بازی کردن این گروه فی مابین آنهاست.

وحدت در مسیر جنگ کردن، به قول قرآن به "تروالوثقی"، ریمان محکم و گسست پایدیری، که باز هم بقول خود قرآن ابتدا از کفر به طاعت (در شرایط فعلی اجتماعی از موضع گیری در مقابل امپریالیسم) شروع میشود، وحدت بیارشد یک زمینه عینی است، این زمینه از اینجا در می آید که ببینیم گره اصلی ما، در جامعه مان در چیست. اگر درست است که گره اصلی و بن بست اصلی، امپریالیسم است، پس سبب این اگر در این راه، حرکت کنیم هیچ اختلافی، حاشی برای بروز نخواهد داشت و بن میجو است. پس موفقی که شاه هنوز فرار نکرده بود، نه اینکه جای درستی نگذاشته بود، همه یکپارچه، یک راهی یکدل و یک فکر بودند.

۱۶ آذر اولین ترکش انقلابی خشم خلق

بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد عقاب جور گشوده بال بر همه شهر

اولین روزهای سیاه پس از کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ است. جفان بیداد میکند، ساجها باها برآورد با خواهان است، در ضمن سخی منقول مقابلین است، حوجههای اعداد مدام در کارند و دستبسته مردان میهن پرست را به کام مرگ میفرستند، هیچ صدایی از هیچ کجا به گوش نمیرسد، سکوتی سنگین و مرگبار بر همه جا سایه گسترده است. فرمانداری نظامی نفس همه را بریده و میکوشد تا آخرین کاتوسهای باقوله مقاومت را هرجا که هست کشف و در نطفه خفه کند. چنین به نظر میرسد که خلق بگلی مشکوب و مهربوب و چگمه پوئان کاملاً حاکم و پیروزند که ناگهان... ناگهان در شانزدهم آذر ماه در حالیکه فقط کمتر از چهار ماه از کودتا میگذرد چیزی در فضای ایران منفجر میشود و آن سکوت منحوس را میشکند و نورش برده ظلمت متراکم آن امام را میدرد. این نفس متراکم خشم و اندوه خلق بلاکشیده ای است که در دانشگاه تهران متراکم و این خلق ستم دیده است که از حلقوم فرزندان دانشجویانش فریاد میکند و باز این خلق بی پناه ایران است که باید در سوگ عزیزترین

۲- شوراها عظمین ترین نسوانه تداوم انقلاب و منظر عالیترین دموکراسی مردمی هستند

در یک سارزه دراز مدت ضد امپریالیسمی که یودهها نفس عین کشنده را در آن انباشت کنند، خوارها به صورت یک امر ضروری و یک نسوانه قابل اتکا برای تسخیر شروهای مردمی و آزاد کردن آری آنها در جهت این مبارزه رهاشخص مطرح میشود. دیوسوند استعداد و توانائی های مردم کسوف شده و توانی آنها در جهت دفاع از انقلاب و استقلال جامعه نگار میماند، از سوی دیگر حل سازی از تضادهای درون خلقی در حله در رابطه با ملتینهای نخستین مصاعف، آنها از طریق خوارهای مردمی

مسئله شوراها و برخورد قانون اساسی با آن

بر این اساس، معیار حقیقت و یوایی نظامهای مختلف اجتماعی نیز به این بستگی دارد که هر کدام تا چه حد قادرند خود را با واقعیت فوق تطبیق داده و با آن کامیاب کنند. در این مسیر پیش بروند. در دوران ما که بعضی عصر کبیر آگاهی خلقها نام گرفته است. و مستضعفین جهان خشم انداز موج استوار و طبقات را در پیش دارند، پیچیدهترین نظامهای خلقی با تکه بر خوارهای مردمی بی میسر میشود. شوراها، بعنوان تبلور عینی اراده تودهها، غالبترین پاسخ به ضرورت تاریخی حاکمیت مستضعفین است.

ایدئولوژی

چنانکه میدانید در عرف سبع انقلابی هرک از روزهای مهم عقیدتی و سیاسی دارای زیارتی مخصوص می باشد. شاید بتوان کلمه زیارت را به مصطلح سوسی و مردم پرستان صورت آن "دیدار" ترجمه نمود. در این نظر زیارت هر روز بخصوص به مفهوم دیداری با موضوع آن روز میباشد. حال این دیدار خواه به ماست یک میلاد یا وفات یا شهادت باشد و خواه به مناسبت یک سرفصل یا نقطه تحولی مانند فطر یا قربان و یا قدر، عبارت دیگر، تا آنجا که این حوادث و رخدادها مضمون مکتبی و سیاسی دارند یادآور و انگیزنده عاطفی هستند که اراده تکامل در آنها خیز برداشته و به اعتبار آنها باستی جلوتور هم برود. یعنی با یادآوری عاطفی - اجتماعی موضوع و سوزه، بحث، دیدارکننده به معاهم و مقولات و اصولی راه میبرد که بر مسای آنها تعالی و تکامل انسانی (وبخصوص تعالی

ایدئولوژی

چنانکه میدانید در عرف سبع انقلابی هرک از روزهای مهم عقیدتی و سیاسی دارای زیارتی مخصوص می باشد. شاید بتوان کلمه زیارت را به مصطلح سوسی و مردم پرستان صورت آن "دیدار" ترجمه نمود. در این نظر زیارت هر روز بخصوص به مفهوم دیداری با موضوع آن روز میباشد. حال این دیدار خواه به ماست یک میلاد یا وفات یا شهادت باشد و خواه به مناسبت یک سرفصل یا نقطه تحولی مانند فطر یا قربان و یا قدر، عبارت دیگر، تا آنجا که این حوادث و رخدادها مضمون مکتبی و سیاسی دارند یادآور و انگیزنده عاطفی هستند که اراده تکامل در آنها خیز برداشته و به اعتبار آنها باستی جلوتور هم برود. یعنی با یادآوری عاطفی - اجتماعی موضوع و سوزه، بحث، دیدارکننده به معاهم و مقولات و اصولی راه میبرد که بر مسای آنها تعالی و تکامل انسانی (وبخصوص تعالی

فرزداس خون بگرد، اما در عین حال یک چیز را به همه دنیا نشان میدهد، نشان میدهد که دست از مقاومت کشیده و همچنان فریاد مرنده تا دشمنان استوار رسوا کند و همچنان مبارزه میکند، مبارزه میکند تا آزادی را بدست آورد. اهمیت ۱۶ آذر ۳۲ واقعه ای که آرزو در دانشگاه تهران اتفاق افتاد جسدی است که از آن هنگام تا به حال که ۲۶ سال میگذرد همچنان در خاطرهای ما پی ای مانده و در طول همه سالهای سیاه پس از کودتا، تا سقوط رژیم فاسد پهلوی همچنان مقدس و الهام بخش بوده، چرا که نثارده آذر، روز آغاز فریاد است، روز شکست سکوت است، روزی است که خون گرم و سرخ دانشجو بر صحن دانشگاه ریخت تا گواهی باشد بر مظلومیت خلق و سندی باشد بر حیایت پیشگی رژیم و جراحی باشد فرا راه مردم که بداند بین آنها و رژیم کودتا هیچ رابطه ای جز کشتن یا کشته شدن وجود ندارد. واقعه ۱۶ آذر چگونه بوجود آمد روز ۱۸ آذر قرار بود که رنجبارد بقیه در صفحه ۲

چه باید کرد؟

تاکنون نکت فیم، ن ملسون دلار، منتظور آشفه کردن اوضاع، بودجه نامن سده است

سخن بی برده با مسئولین امور و بویژه شورای انقلاب: درست در نقطه‌ای که رو در روی امپریالیسم- این درنده جهانخوار- قرار گرفتیم و در داخل و خارج کشور بسیاری خوابهای "بختیار"انه می بینند، مبادایحای آمریکا نیروهای درون خلق و بویژه نیروهای انقلابی هدف قرار گیرند! بهوش باشیم که اوسیه ها و ونه‌اندی ها و ثابتهای ما و دهها سرمایه دار و زرتال وابسته در خارج از کشور دمی از توطئه دست بردار نیندند.

و سپس دیدیم که بهمت دانشجویان بیرو نظام و مواضع مستحکم خود امام در مقابل آمریکا و فرستادگان مستقیم و غیر مستقیم برق تحقن این آرزو درخشیدن گرفت و راه خدا و خلق دوباره هموارشد و حتی تا مرحله بسیج سیاسی - نظامی نیز اوج گرفت. اگر چه تصور به متاسفانه از قطع کامل هرگونه رابطه و فرار داد و ستد سرمایه‌گذاری استعماری خبری نشنیدیم.

غریب از بیان این مطالب تکرار مکررات نیست. اگر چه سخن از وجد و شور ضد امپریالیستی خلق هر چند بار و از هر زبان که بشویم تا مکررات. اما غریب اصلی این است که روشن نگردد در مقام مقابله با هر تاملی انحرافی و غیر اصولی تنها راه، گسترش و هرچه عمیقتر کردن مبارزه ضد امپریالیستی است. به عبارت دیگر در برابر فتنه‌گرهای امپریالیسم و پایگاههای ارتجاعی داخلی آن و در برابر انبوه تضادهای درون خلقی و گرایش‌ها نادرست ریانبار، علاج اصلی مبارزه ضد امپریالیستی آمریکائی است و عمدتاً در همین مسیر است که سره از ناسره جدا میشود و در انقطاع کونی گرایش‌ها ارتجاعی و انقلابی گرایش انقلابی به غلبه میل میکند.

علی‌علیه‌السلام آنگاه که فتنه‌ها بر خاسته و حقیقت امر بر بسیاری مشتبه شده بود، سفینه‌نجاتی به میان دریای موج فتنه‌ها فرستاد:

سرد با معاویه او فرمود: با معاویه بجنگید تا حقیقت بر شما آشکار شود. آری در شناختن ساسی اسلام، که درک حقیقت در رابطه تک‌تنگ با موضع و پراونیک و حضاثل و منافع اجتماعی جستجوگر، قرارداد، حقیقت و واقع امور بطور اجتماعی در جریان مشخص حاصل عینی و مبارزاتی حاصل میشود. و همین دلیل برادر دیگر ما درست عاثورا تاکید نمود که:

"ما امپریالیسم آمریکا بجنگید تا حقیقت بر شما آشکار شود". حقیقت - همان ذات و جوهر هر نیرو و گروه سیاسی و اجتماعی- بر ملا میشود. گاهی هر چند گذرا، به بافت و ترکیب و تعادل فعلی سیاسی و اجتماعی نیروها صیح محلی برای تردید باقی نمیگذارد. در غیر اینصورت چنانکه امپریالیستها خواسته‌اند و میخواهند و بازم چنانکه اساد سازشان نشان میدهد خواهند خواست

انفادن به جان نیروهای انقلابی و فراموش شدن نبرد اصلی و خانمان سوز منطفدای با شدت هرچه تمامتر آغاز خواهد شد البته ما امیدواریم که چنین چیزی رخ ندهد چرا که اگر رخ بدهد مددلیل انواع و اقسام تحریکات و زمینه‌های داخلی و خارجی خیلی حسابها بهم خواهد ریخت و آنها با آسیایهای دیگر خواهد رفت.

بگذریم با مسئولین امور و بویژه با شورای انقلاب بی برده تر صحبت کنیم: درست در نقطه‌ای که رو در روی امپریالیسم- این درنده جهانخوار- قرار گرفتیم و در خارج و داخل کشور بسیاری خوابهای "بختیار"انه می بینند، مبادایحای آمریکا نیروهای درون خلق و بویژه نیروهای انقلابی هدف قرار گیرند! بهوش باشیم که اوسیه ها و ونه‌اندی ها و ثابتهای ما و دهها سرمایه دار و زرتال وابسته در خارج از کشور دمی از توطئه دست بردار نیندند. و ما خبر داریم که تا کنون یک قلم پنجاه میلیون دلار، به منظور آشفته کردن اوضاع بودجه‌ناامین شده است. از این نظر بسیار ضروری میدانیم که مخصوصاً دستگاههای تبلیغاتی و خبری را به مسئولیت تاریخی فوق‌العاده خفیشان متوجه سازیم.

بدیهی است که انقلابیون واقعی، در خر تریایی خواهند توانست بیت و کم گلیم خود را از آس بیرون بکنند اما گشائی از این است که با غلبه تمایلات ضد ترقی خواهند برای انقلاب نهاد برسانند و نه نادرستی!

بنا بر این، اکنون همه نیروها و گروهها و شخصیت‌های این زمین در آستانه یک آزمایش بزرگ تاریخی هستند که طی آن درجه اصالت و حقانیت خود را با دقت هرچه تمامتر آشکار خواهند ساخت. خوش بود گر محک تجربه آید به میان.

البته از پیش روشن است که برخی تلاش کرده و خواهند کرد تا با عافیت حوئی هیچ آزاری را محتمل نشوند و برخی سعی خواهند نمود تا به آب و آتش زده و با احساس مسئولیت در مقابل ضعفهای انقلاب و تمایلات نادرست، به اصلاح بگیرند غریب را ("که همان انقلاب باشد)، و همین موضع است که در خور بالاترین تهنیت و ستایش انقلابی و مردمی است.

۱۶ آذر اولین ترکش انقلابی خشم خلق...

نیکسون معاون رئیس جمهور و نماینده آمریکا برای ارزیابی اوضاع ایران سیار کودتایه تهران سفر کند و وضعیت و استحکام رژیم دست نشاندۀ آمریکا را از نزدیک مورد مطالعه قرار دهد. برای رژیم هم اهمیت بسیاری داشت که موفقیت خود را در سرکوب جنبش خلق و در از بین بردن همه مقاومتها و مخالفتها به ارباب نشان بدهد. دانشجویان دانشگاه تهران این فرزندان سیدار آگاه خلق نیز خود را منعهد میدیدند که فراد اعتراضات خود را علیه حیوانات ستمکار رژیم بلند کنند و به حضور نماینده امپریالیسم حمایتکار آمریکا در مین خود پرخاش کنند. به این منظور دانشجویان تظاهرات بزرگی به راه می‌اندازند و رژیم به انتظار چسب حرکتی را نداشت و محو است در حضور ارباب به وجود آرایش در کشور سالده فوراً مزدوران جرمناز خود را به دانشگاه گسیل میدارد. و این مزدوران بی محابا به روی دانشجویان بی دفاع که سلاخی خر فریاد می‌نهند آتش می‌کشایند و حمی را به خاک و خون میکشند که از آن میان سه نفر از دانشجویان دانشکده فنی به ناسیای شریعت رضوی، محدث قندچی و بزرگ نیا شهید میشوند، یاد این شهیدان گرامی باد!

رژیم حاصل کودتای ۲۸ مرداد برای تحمیل یاس و سرخوردگی از مبارزه بر سراسر جامعه ایران کوشش فراوان میکرد، اما این کوششها در یک عظیم را چاره نخواهد کرد و میدانستند برای ارتکاب سلا و

مسئله شوراهای و پر خوردهای قانون اساسی با آن

امکان پذیر نبود. و این خود موجب نمود که حسیه خلق در مقابل امپریالیستها مستحکم تر شده و همه نیروها بر علیه آنان بسیج گردند. خصوصی که میدانم نابودی امپریالیسم مقدمه حاکمیت رجمتکشان است. و بالاخره ایجاد مناسبات عادلانه اجتماعی و برهم ریختن نظام استعماری کهنه‌تنها با تکیه بر نیروی بیکران بودهای یخ ستم که در قالب "شوراها" بسیج و متشکل میگردد. امکانپذیر است. عبارت دیگر شوراهای عنوان عالمترین نوع دموکراسی مردمی است. تنها یعنی عین کننده‌ای در حل انقلابی تضادهای درون خلقی دارد. بلکه خود اهرمی است برای به حرکت درآوردن بوده‌ها و ارتقاء مستمر جنبش رهایی‌بخش خلق و مآلا تصنیف است برای حقوق عالمترین آرمانهای بشری که نقطه اوج آن محو کامل استعمار انسان از انسان و پایان یافتن حضور استعمارگران میباشد.

۳- چه کسانی نمی توانند مدافع شوراهای مردمی باشند

باتوجه به فلسفه و مضمون شوراهای که توافاً اشاره شده افراد یا جریانهایی که توان مبارزه، سیاستمداری را ندارند و ارجحه به حقوق تاریخی کارگران و ضرورت حاکمیت این طبقه و نهایتاً به لزوم لغو همه مزبندیهای طبقاتی و اعفادی ندارند. هرگز نمیتوانند مدافع شوراهای مردمی باشند.

حتی اگر ابتدائاً به دلیل ناآگاهی نسبت به عملکرد شوراهای، مخالفتی با آن نداشته باشند، در جریان شکل گیری و فعال شدن شوراهای، موضع طبقاتی خود را آشکار خواهند کرد. زیرا از آنجا که در تفکر و نظام آنها، استعمار و مالکیت خصوصی حاودانی است. موضعگیریشان سر نمیشوند. اساساً بر علیه استعمارگران باشد.

بنابراین شوراهای مردمی که بنحور کلی حافظ منافع کارگران و رجمتکشان در قبال سرمایه‌داران و استعمارگران است نمیتواند از تائید کامل این قسبل جنبشها برخوردار باشد. و غریب هم که آنها از محدودیت مالکیت و استعمار دفاع کنند، ولی در رابطه با تضاد ذاتی تائید بر طبقات منحاصم. حیات استعمارگران را به محافزه خود می‌اندازند.

۴- شورا یکی از انتظارات مردم از رژیم بعد از انقلاب بود

سقوط رژیم ضد خلقی پهلوی زمینه تحقق بسیاری از اهداف و آرمانهای انقلابی را هموار کرد. زیرا قیام بیروزمدخلی ایران با شعار "آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی" اساساً مضمون ضد امپریالیستی، مردمی و دموکراتیک داشت. بدین جهت همه امید مردم در سقوط شاه خاشی و جایگزینی یک رژیم صنعت از اراده آنها خلاصه می‌شد. از سوی دیگر وحدت و یکپارچگی ملی، مناصاً بر آمادگی و بسیج آنها،

بقیه از صفحه اول

مهمترین پختوانهای بزرگ که به انگار آن همه انتظارات مرحله‌ای انقلاب عملی منبوند. بدیهیت که دلیل فقدان یک تشکیلات انقلابی و کارآمد، مسر تحول با پیچیدگی های خاصی همراه بود، لکن، فوران جنبش انقلابی بودهای به منابه اصلترین عصر عینی انقلاب ما بیک سیستم واقعاً انقلابی اجازه میداد تا مفاسی سازمانی- تشکیلاتی جنبش را در برآورد. موضع گیریهای صحیح خود و با باری دیگر نیروهای خلقی و بویژه انقلابیون اصل، بر طرف یارد.

اما رژیم بعد از انقلاب به تنها بسیار تحولات انقلابی بود بلکه خود غالباً بصورت مابعی در برابر آحادگیهای انقلابی مردم ظاهر مستند این واقعیت سرفختر از دلائل نابوی- اس نظیر تضاد قشهای متعدد قدرت عدم تخصیصها و... اساساً از بافت درونی و طبقاتی آن سرچشمه میگرفت زیرا به استثنای موضع مافظ و تارس- تائید بر مقام رهبری، استخوان سدی سیستم موجود از دو جریان ارتجاعی و لیبرالی سازشکار تشکیل میشد که برآیند کلی حرکتشان عبارت بود از:

تلاش شانه روزی مرتجعین برای به انحراف کشیدن شور انقلابی مردم و هرز دادن نیروها در مقابله با تضادهای فرعی و دشمنان موهوم و سوز دادن بوده‌ها به سمت فترتی‌گری بحای تبلیغ و روشنگری و حرکت در جهت اهداف مقدس و رهایی بخش اسلام. و از سوی دیگر تثاب لیسراها و سازشکاران در تثبیت حاکمیت بورژوازی و تعامل شدید با دانه و- استگنی و گذران امور در کادر مناسبات گذشته.

این برآیند سهجوجه با حداقل خواستهای انقلابی مرحله کونی تلافی میکرد و نتیجتاً نمیتوانست مناسبات سبادهای مردمی از حمله نظام سوراخی را بی‌ریزی کند. گما آنکه در این زمینه فعالیت چشمگیری هم صورت نگرفت.

۵- طالبانی و مسئله شوراها

درست در همین تریاظراد مردمی نظیر طالبانی در پشانیسی همه انقلابیون مابادی "شوراها" شد و می بگریانه بر اهمیت آن تاکید کرد اما بدلائلی که میدانم این دقای اسلامی و مردمی کتر برای دست اندرکاران و مسئولین حواشید بود زیرا آن را حدی نمیکشوند. بالاخره پدر هم از آنها مابوس شد و تاگریر شکایت آنها و درد دل خود را با خلق در میان گذاشت. او در آن حیرس روزهای رندگیس در حضور ملیونها انسان، ضمن تحدید عهد با شهیدان جوان حبه، خلق، دست اندرکاران و... را به خاطر بی توجهی به ضرورت و اصالت شوراها اینطور ملامت کرد: "صداها بار می‌کنم که مناله شورا، از اساسی ترین مسائل اسلامی است. حتی به پیامبر با آن عظمت میگویی با این مردم منور کن. به اینها شخصیت بده. بدانند که مسئولیت دارند، مکن به شخص رهبر

بقیه از صفحه اول

منبوند. خوب یک مرسه اخلاص نبود آن اصل مهتر از است که در یک کارخانه اخلاص نبود. پدر طالبانی با این پیام و با این اعتراض تاریخی خود حجت را بر همه دست اندرکاران تمام کرد. با اینحال جریانها در حسی که او و سایر انقلابیون میخواهند سر بگردند حداقل در مورد "شوراها" باید و باید" ما نفوت خود یاقی مابند. اما بی تردید فریادهای مسئولانه طالبانی همواره اثر شد و صبر انقلابیون نفس انداز خواهد بود. و یک تاریخ پیام شهادت و خورا نیز را به همه مردمان این خلق بزرگ خواهد رساند.

۶- بررسی احتمالی اصول مضمون مربوط به شوراها

به دنبال کشمکش های زیاد هفت اصل از قانون اساسی (۱) را به مساله شوراها اختصاص دادند و بدینترتب سائلهای را که دیگر قابل انکار نبود. بصورت خاصی، محدود و بی محتوا نامید و مضمون کردند. براین اصل هفتم، شورا ها یکی از ارگان تصمیم گیری و اداره امور کشور به حساب آمده‌اند. (۲) و حال آنکه در یک نظام اصل سوراخی تنها سنای تصمیم گیری و اداره امور کشور فقط شوراها هستند. لذا اصل هفتم کافی سطر نمیشد. باوجود این اصل مرور در مقایسه با اصول دیگر، امکان کنیزی برخوردار است زیرا مکتوبه در کارخانه‌ها احداث

بزرگداشت شهادت سردار جنگل

خلق که همان سردار آزادیست از نخستین پیشگامان تاریخ معاصر ایران در مبارزه انقلابی مسلحانه بر علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی است. درست در زمانی که امپریالیسم حمایتکار انگلیس بدینال انقلاب اکثر در ضد بغلغیدن تمام این زمین بود، در گرماگرم وطن فروشی‌ها و ساخت و پاختهای وثوق الدوله‌ها و ضیا، تائبان‌ها و تقی راده‌ها، طلنگه، آزاده‌ای ارتکح مدارس تهران راه جنگل نیز گرفت تا با خون، در پس ریمان نیزه وطن سپار تازهای سیاه‌ریند. بدین ترتیب محاهدین جنگل، که بحق پیغام تمام محاهدین خلق قهرمان ما بوده‌اند، با خط مشی انقلابی چریکی پی‌ریزی شد. و از این پس زندگی سراسر پاک و بی‌پروایه سردار خلق یگسره وقت آرمان رهایی گشت و بر تارک خویشین این مایزدهم خرداد که یادگیری پوچی تمام راه جلدیای سلامت حیوانه در قبال دشمنان قسم خورده خلق به اثبات رسید صدیق‌ترین و پرشورترین خوانان انقلابی ما مجدداً تنگ سردار را بدوش کشیدند.

و ما امروز خوشوقتیم که در اوج یکی از بزرگهترین مراحل مبارزه ضد امپریالیستی یاد کوچک خان را زنده میداریم. آری در این ایام محاهدین خلق ایران ادامه تاریخی راه سردار جنگل را در حمایت هرچه بیشتر از مواضع قاطع ضد امپریالیستی-امریکائی امام خمینی یافته‌اند، مواضعی که پیوسته باید از جانب هر نیروی انقلابی و مردمی با تمام قوا پشتیبانی شده و معنم شمرده‌شوند و چنین است که سردار جنگل با سلاح و باهمان عزم آخسین اکنون به میان هر تهر و روستا میاید تا پیام جنگل سزا را که همان سرود سرخ رهایی است توده‌گیر سازد. آری بسیج سیاسی- نظامی تمام خلق و سازمان دادن تمامی آنها بمنظور مقاومت رهایی بخش مسلحانه عمومی بر علیه چپاولگران و حمایتکاران امپریالیست، ایستد پیام سرداران و رهبران بزرگ خلق مردم بر خلق - سلام بر آزادی

دردود بر کوچک خان - دردود بر خمینی ۹/ آذر / ۵۸ محاهدین خلق ایران

اعتصابات شهریه در دانشگاه تهران

حزب مجدد جنبش دانشجویی تهران توبه داد. در سال ۴۸ اولین اقدام چشمگیر دانشجویی در جهت به میان مردم بردن حرکت و دفاع از حقوق رجمتکشان و افتخار مجرم نهری تا ترتیب دادن اعضا ب و اعتراض به گران شدن لیسط انوبوس شرکت واحد برورمیکند رژیم در این جریان محور به عقب نشینی و عدول از تصمیم خود میگردد و این بوقعیت تأثیر بسیار مطلوبی در روحیه مردم میگردد و علاوه و احترام ایشان را نسبت به دانشجویان برمیگرداند و دانشجویان سبز می‌آورد که با اتحادتعار و تانکیک مناسب مینوان با مردم پیوند برقرار کرد و اگر این جنبش نبود، پیروزی حقیقی است. در اواخر سال ۴۸، تظاهرات وسیع صدصهوستی که با اعلام همدردی و همبستگی مردم دانشجویان با جنبش آزادیبخش فلسطین توأم بود بعد جدیدی به جنبش دانشجویی منهدد. اعتصابات سراسری سال ۴۹ از جمله اعتصابات آذرمه، مربوط به مخالفت با کتفرانس سرمایه‌گذاران امریکائی در ایران از نقاط اوج بیرویه حرکت مبارزات دانشجویی در فاصله سالهای ۴۵ تا ۵۰ است. نتانعام

اعتصابات شهریه در دانشگاه تهران

اعتصابات شهریه در دانشگاه تهران خیزش مجدد جنبش دانشجویی تهران توبه داد. در سال ۴۸ اولین اقدام چشمگیر دانشجویی در جهت به میان مردم بردن حرکت و دفاع از حقوق رجمتکشان و افتخار مجرم نهری تا ترتیب دادن اعضا ب و اعتراض به گران شدن لیسط انوبوس شرکت واحد برورمیکند رژیم در این جریان محور به عقب نشینی و عدول از تصمیم خود میگردد و این بوقعیت تأثیر بسیار مطلوبی در روحیه مردم میگردد و علاوه و احترام ایشان را نسبت به دانشجویان برمیگرداند و دانشجویان سبز می‌آورد که با اتحادتعار و تانکیک مناسب مینوان با مردم پیوند برقرار کرد و اگر این جنبش نبود، پیروزی حقیقی است. در اواخر سال ۴۸، تظاهرات وسیع صدصهوستی که با اعلام همدردی و همبستگی مردم دانشجویان با جنبش آزادیبخش فلسطین توأم بود بعد جدیدی به جنبش دانشجویی منهدد. اعتصابات سراسری سال ۴۹ از جمله اعتصابات آذرمه، مربوط به مخالفت با کتفرانس سرمایه‌گذاران امریکائی در ایران از نقاط اوج بیرویه حرکت مبارزات دانشجویی در فاصله سالهای ۴۵ تا ۵۰ است. نتانعام

اعتصابات شهریه در دانشگاه تهران

اعتصابات شهریه در دانشگاه تهران خیزش مجدد جنبش دانشجویی تهران توبه داد. در سال ۴۸ اولین اقدام چشمگیر دانشجویی در جهت به میان مردم بردن حرکت و دفاع از حقوق رجمتکشان و افتخار مجرم نهری تا ترتیب دادن اعضا ب و اعتراض به گران شدن لیسط انوبوس شرکت واحد برورمیکند رژیم در این جریان محور به عقب نشینی و عدول از تصمیم خود میگردد و این بوقعیت تأثیر بسیار مطلوبی در روحیه مردم میگردد و علاوه و احترام ایشان را نسبت به دانشجویان برمیگرداند و دانشجویان سبز می‌آورد که با اتحادتعار و تانکیک مناسب مینوان با مردم پیوند برقرار کرد و اگر این جنبش نبود، پیروزی حقیقی است. در اواخر سال ۴۸، تظاهرات وسیع صدصهوستی که با اعلام همدردی و همبستگی مردم دانشجویان با جنبش آزادیبخش فلسطین توأم بود بعد جدیدی به جنبش دانشجویی منهدد. اعتصابات سراسری سال ۴۹ از جمله اعتصابات آذرمه، مربوط به مخالفت با کتفرانس سرمایه‌گذاران امریکائی در ایران از نقاط اوج بیرویه حرکت مبارزات دانشجویی در فاصله سالهای ۴۵ تا ۵۰ است. نتانعام

اگر مناسبات سرمایه‌داری وابسته را بهم نریزیم همیشه زلزله زده‌ایم

آنها روی چشم و هم جسمی باشما کار می‌کنند اگر شما نبودید آنها تکان نمی‌خوردند



وقتی سیدم ازدهات بیرون می‌کنند از ناحی، غصه بجه‌هایم را فراموش کردم

نیوید ما مرده بودیم. وقتی سیدم که از دهات بیرونان می‌کنند از ناحی غصه بجه‌هایم را فراموش کردم. ما گرسنه بودیم کک کردیم، هنجون از جاده‌هایمان دود بختی نیامد اما... همیشه سیرند و محرومند به کسی هم کک نمی‌کنند. دهانهای بی‌آباد (روسای که بین از ۱۵۰ کسده‌داد) سنبان شا هستند والا اینها شا را سحورند. دگری اصرار داشت ثابت کند که ریه‌های یک روسا می‌کنند " چند سب بین ما را در جادری جمع کرده و گفتند به اردوی شا حمله کنیم ولی

در شماره گذشته گزارشی داشتیم از زلزله اخیر منطقه فاشاب، از فقر، بی‌خانگی، فتنه‌های خراب، احسام سته، فعالیت گروه‌ها و " ابعاد شرم آور انحصارطلبی".

اخبار بعدی منطقه حکایت از اطلاق گسری بی‌زمانه انحصارطلبی دارد. خبر از میدان بزرگ کردن جوانان سفته خدمت به خلق در خلوی حسان اسکار مادران و کودکان زلزله‌زده‌ای که اکنون بی‌سازگار هر زمان دیگر احتیاج به کک دارند. جوانان مسلمانی که بی‌سایه‌سینه بیروها فرمان امام را برای کک به زلزله‌زدگان لیک گفتند بر نالین بر دم نصبت دیده‌ان حضور یافتند تا از دستان گرم و بیرون جویس بناگاه کوچکی برای این محرومین بسازند.

این برادران و جواهران نادم صحنه‌هایی از بازگشت خود را حسی توصیف کرده‌اند: " امروز شخصی که بجه‌های بنیم زده روسا را به حمام میرود، فهمید که ما محبور به ترک منطقه شدیم. در حالی که اک در حسانی حلقه زده بود. یکروز نگار میگردد: ما با شا هشتم شا براه حدا کار می‌کنیم. یک زن روسانی شانام خود را به اردویان رسانده و میگفت "اگر شا

متن تلگراف را خیلی خوانا و روشن دست‌نویس کنید

همه را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

۱۰۰... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

... متن تلگراف را در هر روز... متن تلگراف را در هر روز...

را گول زده‌اند. به بولدراه‌هاشان چند دست کت و شلوار دادند. هر چند که این برادران و خواهران ما از خدمت از منطقه زلزله زده محروم شدند و حتی در نامه‌هایی به رهبری انقلاب از انحصارطلبی مرتجعین شکوه سرداندند، استان را در راه طولانی مبارزهای مقدم گذاشتند با این آبه نوید میدهم، و من به‌ناچار فی سبیل الله یجد فی الارض فراغاً کثیراً و سعاً... (کسیکه در راه خدا هجرت کند راه‌های گشودنی بسیاری پیش روی خود می‌سازد...)

با آمدن به اینکه استوارتر از پیش حامی این جوانان را در راه مبارزه با امپریالیسم و بقایای سیستم وابستگان می‌یابیم. دیلاً متن یکی از تلگراف‌های استان را می‌آوریم. تلگراف علاوه بر گروه فوق و نیم‌های امداد جنبش ملی محاهدین انجمن جوانان مسلمان می‌چند، گروه امداد دانشجویان مسلمان کرگان و گروه امداد دانشجویان مسلمان دانشگاه سیراز نیز پس از ترک منطقه با ارسال تلگراف‌های مشابهی به پیشگاه امام خمینی ضمن ابراز تسلیم از قاعد جانخواهی زلزله فاشاب، آمادگی خود را برای مبارزه در حرکت ضد امپریالیسم حامی خلق اعلام داشتند.

حیدرآباد امپریالیسم جهاجوار را به

صافی دیگر دعوت کند

جوانان آوار و نایب وابستگی راه

روستائیان نشان مدهند

مریت به ۲۴۰ هزار جوانانی که در این اردوها شرکت داشتند حوسی آرزو سردگر شد به دود-های زخمکش را درآوردند آنها را کار کردن در هنگامی که آفتاب گرم بر سر و صورتشان می‌تابد و دست‌هایشان با گرد آجر و سیری سنگ آسایشند. می‌پندمد که چرا به اینجا رخصر می‌گویند و درد و روح می‌خورد؟ درد و زنجی غمی و برحانه از عسایر، به‌درد روح و فقر و محرومی که در کتابها خوانده‌اند. جبه‌های اردو اگرچه سلاحان در مواجهد با نارسائیهای روسا و کار در اردوی سارندگی جیل است و کتک، ولی اگر آجا که وظیفه انبلی و اساسی خود را شماره با امپریالیسم به هر شکل و در هر جا میداند، لذا قلبی مالامال از عشق به خلق و کینه به دشمنی در سندان منبند که ویرانگر نشان است و شکرگس، سلاجی است که هیچ چیز را برای برتری با آن نیست آنها در ضمن روساگروری و صحبت با روستائیان آوار و ساج وابستگی را به آنان نشان مدهند به زبان ساده با حوس سنسانی که بدلیل مخالفت با فتوادل روستائیان وید ادرگیری با زاندارم‌ها آواره شده‌اند. صحبت میکنند و علت فقر و محرومیت و آوارگی آنها را که از زبان خود آنها آموخته‌اند به بیان ساده و علمی بیان میکنند.

جبه‌های اردو که عمدتاً از

خانواده‌های محروم هستند و پیش از این نیز نایب‌ها را کار کرده‌اند، اکنون از اینکه در جبهتی مشخص و با سازماندهی دست به کار و افشاکری می‌زنند لذت می‌برند. نظم حاکم بر اردو و آگاه شدن از هدف اردو و بیان ارزشهای ایدئولوژیک، آنها را به حقانیت راه واقف نموده و شور و حرکشان را بیشتر و حالمانتر مینماید. در محوطه اردو کتابخانه‌های است که کودکان و نوجوانان روستا از دور و نزدیک به آنجا می‌آیند و کتاب می‌گیرند. با اینکه کتابها را همراه با کار در مزرعه و یا جویانی می‌خوانند ولی سرعت آنها تمام میکنند. وقتی که با پای برهنه و نفس‌زنان به کتاب خانه می‌آیند بریده بریده نتیجه داستان را برای یکی از خواهران کتابدار تعریف میکنند. احساسی رضایت و پیروزی در چهره تک تک ججه‌ها نمایان میشود.

اعتماد روستائیان به ما، مرتجعین

رافرازی داد

هر روز که از عمر اردو می‌گذرد، پیوند روستائیان به جواهران و برادران شرکت کننده در اردو بیشتر می‌گردد. اعتماد روستائیان به ما، مرتجعین رافرازی داد

بقیه در صفحه ۵

اردوی سازندگی در میان مردمی اسیر فتوادهای شهرنشین

"بعد از انقلاب رعیت‌ها زمین‌ها را این خود تقسیم کردند ولی افسوس..."

بجه‌های روسا، نامی دائمی که بجه فتوادهای شهرنشین باستان برهنه است، از سرمای زمستان نمی‌لرزند، مادران شان در غم‌گزاران می‌کنند و پدرانشان از نداری آواره شهرنشین می‌شوند

زمینها را بین خودشان تقسیم کردند ولی افسوس که مالک ما شکرگسای دولتی آمد و بخت آنها شلیک کرد. سپس با دست اطاف‌های سیه تمام را نشان داد میگوید: "ار ما بول گرسنه که نه‌داری سارند، اما وظیفه‌های کاری اضافی بولها را برداشتنده و رفتند. روستائیان از ظلم فتوادلها، سرسوز زاندارمها، عایش اصلاحات ارضی و شیخون سرمایه‌داری وابسته آموخته‌اند که به غریبه‌ها دبر اطمینان کنند. با اینهمه وقتی که از طریق عمل ما، ما را باور نمودند، سبها را به اصرار می‌مانمان می‌کردند، به گفتگو که می‌سستم، از روح روزانه و لحن

مخلفه "بما" با دهبها روسای کوچک و بزرگ یکی از مناطق شمال استان فارس می‌باشد. از بین این روساها، که حقیقت بعضی از آنها به ۶۰۰۰ نفر می‌رسند، حقیقت ملی محاهدین روستای قلعه سورا بعنوان مرکز فعالیت‌های روستایی خود انتخاب کردند. چرا که روستای قلعه سورا یکی از روستاهای ستم‌زده ایران است که هنوز نوی باروب الحاح فتوادلها بر قرار نگذرم‌ارانش به تمام می‌رسد، خانه‌های شکسته و سقف‌های حیده‌ای که با یک زمین لرزه حقیقت به گورستان اهالی تبدیل می‌شود، حیرت از سالتا حاکمیت استعمار و استثمار فتوادلها مدهند. با اینکه "قلعه سورا" فاصله حیدایی با شهر ندارد. همچون خواران کوره دهات دیگر، جابوس و فراموش افتاده است. آب فراوان و زمین حاصلخیز این روستا در جنگ فتوادل‌های شهرنشین است، و روستائیان، کارگران روبرود آنها هستند. مزرعه سرسبز فتوادلها سالتا است که حیات انسانی کارگران را به بجا می‌برد. حسی ریه‌های حائله سیر می‌نورند خاطر ابراز معانی روزانه در ازا ۱۵ - ۱۰ تومان، حید ساعت از حیات انسانی خود را به ازای ستم‌زده می‌فروشند، و به حیات طفل داخل رحم خود سیر نوحی نمی‌نمایند!



نامزد نوج و کار و عشق به توده‌ها را انجشیم، کینه به امپریالیسم در دلمان جوانه نمی‌زند.

افطمیان روستائیان را برودند، و چیزی جز آوارگی، بی‌زمینی و وام-های کم‌رتکی، و با حداکثر حرف با آنها تحویل نداده‌اند. نا اهالی که صحبت می‌کردیم، یکی میگفت: "کسی بفر ما نیست، دولت‌ها به فکر ابرافیان خود هستند، ما باید خودمان بفکر خودمان باشیم. بعد از انقلاب رعیت‌های ده بالا،

هموز فراوانند دروگرگان پیروی که از سالتا حقیقی و تلخی‌های آن سخن می‌گویند. از مهاجرت اندوهناک روستائیان بی‌زمین که هر روز افزون می‌گردد و از فقر و ستم مضاعفی که بر آنان می‌رسد، درد دل میکنند... آنها می‌گویند:

گاوها و گوسفندی که صبح به صحرا می‌روند امید بازگشتشان هست، ولی معلوم نیست که ما جان سالم از ریز کار بدر ببریم. از شدت فقر، زبانی که در خانه می‌مانند و نان می‌بیزند، بیست ساله-هایشان چهل ساله نظر می‌رسند. آنها با چهره‌های دردآلود و نافذ استخوانی، همراه با کودکانی که هنوز جوانتر از آنها که گله‌های فتوادلها را بچرانند، و یا ماشهای بچکانند. این روزها با نام امپریالیسم - که بی‌انگیزه همه دردهایمان است - آشنا شده‌اند. کوچکترها می‌گویند: ما میدانیم که بجه فتوادل‌های شهر نشین باستان برهنه نیست، و نیروی بر سنگهای داغ تابستان نمی‌دوند، و

بقیه در صفحه ۳

برخورد‌های ضد سوری و عکس‌العمل کارگران (۲)

روند برخورد‌های دولت با شوراهای کارکنان

۳- عقب‌نشینی دولت در فشار مردم

استار دولت برای اینکه عمل خط ضد سوری را در سنگسای درد سیرت اذیت دهد، برودند فوایس ضد سوری را از داخل بوسه سنگسای آورد. سپس آرا داخل بوسه حیدتی گذاشت که روی آن آرای از فرمان واضح سوال هماهنگی کارکنان - سوسه شده بود. عینی است دولت به خواست کارگران که احاد سوراها و واقعی است سرسستم فرود ساورد

برای عینی شدن نسبت به

مفهوم این سوراها از نظر دولت، نحوه‌ای از برخورد وزارت صنایع و معادن را تا سوری کارکنان از معادن و اوایل آمان ماه‌مانند کال سوری کارکنان ارج به وزارت صنایع و معادن رسد تا در باره احضار واقعی سورا استان مذاکره نمایند. در آجا به آنها می‌گویند: وزارت صنایع و معادن ۴ نفر می‌فرستد به سورا هم حق نظارت داده می‌شود، یکی از کارگران در حوات می‌گوید: حرف شما مثل این است که بگویند وقتی درد به حاد ما آمده، دارد انوال را می‌برد ما معادن را داشته باشیم و همنظور گاه گیم ما مال را بخرند، نه، اینطور درست نیست ما باید حق امضا و امهر (حق خصم گیری) داشته باشیم تا جلو درد را بگیریم.

نماینده وزارتخانه می‌گوید: آبرا ما بهتر از شما می‌دانیم " نماینده سورا این نظر را اینطور رد می‌کند که: ما ریشمان در کارخانه سفید شده، ما سالتا کار کرده‌ایم و می‌فهمیم، در زمان طوط هم کلاه زبانی سر ما رفته، اگر راست می‌گویند به ما معادن را بدهند، حق مهروامضا، نماینده صنایع و معادن پاسخ می‌دهد که: نه دولت این قدرت را به ما داده و نه ما می‌توانیم به شما بدهیم.

بدبختی است که این سوخی با تاریخ و نیازهای مردم ستمکشیده ما عاقبت سوخی ندارد و کارگرانی که در سوراها چشم به آبه‌های مردمی سدر سرمایه‌داری و انقلابی قرآن دوخته‌اند این شکرده‌ها را خشی خواهند کرد. آبه‌هایی همچون (وین لکل همزه لثه الندی جفع مالا و غده، یخسب ان ماله اخلده... وای بر آنان که دیگران را به بازجه می‌گیرند! آنان که سرمایه را از نزد خود جمع و انباشت می‌کنند (و) خیال می‌کنند که همیشه سرمایه‌دارانی و جاودان می‌مانند. نه اینطور نیست و در آنتی (که خودافروخته اند خواهند سوخت... آنتی که محصول خشم توده‌هاست.

مردم و مجاهدین

افساکری باید از یکطرف مبارزه ضد امپریالیستی خلفان راه پیش براند و از طرف دیگر در بالا بردن دانش سیاسی - ایدئولوژیک مؤثر باشد

خواهران و برادران عزیز:

نامه‌های شما در چند هفته اخیر تنها از نظر کمی اضافه نشده است، خوانندگان نامه‌ها بخوبی در میابند که یک تحول کمی نیز در میان آنها و مطالب و انتقادات و ... پیدا شده. در چند ماه گذشته ما مانند حالا با سئوالات بسیار زیادی روبرو بودیم. و هرکس بغرض حال خود از ما سئوالاتی میگرد و احیاناً انتقادی و پیشنهادی را مطرح می نمود. ولی اکنون جوگی سئوالات و انتقادات ما گذشته بسیار تری کرده است. اکنون بسیار کم به نامه‌هایی برسیم که سئوالاتی مثل گذشته از ما بکنند این نشان میدهد که مسائل خواهران و برادران ما عوض شده. درجه اعتماد و اطمینان مردم - (اگر این نامه‌ها را به عنوان نشانه‌های جامعه‌دینم که می‌دانیم) - که بزرگترین سرمایه یک سازمان انقلابیست میزان قابل توجهی بالا رفته. بیشتر نامه‌هایی که ما می‌رسد خواهان رهنمود هستند. این خواهران و برادران از ما انتقاد نمیکنند که ما را بگویند. و از ما با اصطلاح تل بگویند. آنها انتقاد میکنند با روشی که ما سواره کنیم. نامه‌های متعددی دانه اسم که اظهار تأسف کرده‌اند از نظریات گذشته‌شان در مورد ما، نامه‌های زیادی داشته‌ام در مورد خواست افشاکری بیشتر. در گذشته اکثراً ما را افراطی و تندرو میدانستند. در حالی که هم اکنون ما سعی میکنیم جلوی حرکتی بعضی خود بخودی و جنب روانه خواهران و برادران خود را بگیریم. بهمین دلیل در عین تأیید شورانقلابی خواهران و برادران خود و طیفه راه انقلابی آگاه می‌دانیم که در صدر ارتقاء آگاهی و سطح دانش سیاسی ایدئولوژیک تمام افکار و طیفه مردمی برآید.

و طیفه مردم گوی

علاوه بر آن باسی انزلی‌های مردمی و انقلابی و احسانات برسوری که روبرو شاهد اوج آن هستیم. در مسر مخرجه کارآمدتر و معقدتر، فرسوده و سخم گردید. والا این شور و آرمی، در حریان خود بخودی و با را در امر مطلوب و با خواهد داشت و ما را در امر بسپرد اغلاب و اهدافمان کفایت خواهد کرد. این یک و طیفه مردم و اساسی در شرایط گوی است.

از سائل اول احد نسخه مهم سنوان گرفت. اول اینکه نامه‌های شما نشان میدهد که موانع ما در اینمدت برای روس شدن حقایق به بسیاری از برادران و خواهرانمان کمک کرده و بطور بسی خطای اسوازی یک مهنی ندانستیم که اسال الله در این رابطه احساس مسئولیمان افزوسر کرد.

نکته دوم آن تعداد از خواهران و برادران ما که خواهان افشاکری بیشتر ما هستند در نظر بگیرند که ضرورت افشاکری بجای خود ولی این افشاکری زمانی مینواند تأثیر لازم خود را داشته باشد که با مرحله‌های مشخص حرکت و نیازهای راستین مردم پیوند عمیق و ارگانیک داشته‌باشد. یک سازمان انقلابی تنها کافی نیست که هر چه را میداند - ولو اینکه درست باشد بگوید و افشا کند. بلکه مسئله مهمتر و جاستر اینست که این افشا- کربها در کجا و چگونه انجام گیرد. به نظر ما افشاکری باید از یکطرف مبارزه ضد امپریالیستی خلفان را پیش براند

از طرف دیگر در بالا بردن سطح دانش سیاسی ایدئولوژیک خواهران و برادران ما مؤثر باشد. و بر همین اساس هم برنامه‌ها و مقالات خود را تنظیم میکنیم.

سنگین بودن مطالب مجاهد را تنها مینواند از طریق انتشار نشریات خاص برای افشاکرگانگون حل کرد بنحوی که برای همه افشاکر قابل فهم باشد

خواهران و برادران - نیست. اینست که تعداد زیادی از خواهران و برادران ما انتقاد کرده‌اند که سطح مقالات بالاس و مطالب سنگینی، و این خواهران و برادران نمینوانند استفاده کافی و واقعی از آنها بنمایند. مضافاً به اینکه سنگینی "فلم" و بیجده‌بوستن نیز به این مسئله دامن میزند. در این رابطه لازم به توضیح است که اولاً ما توجه به فاز حرکت مردم و نیاز به رشد آگاهیهای اجتماعی و سیاسی شما خواهران و برادران حتماً گفت و منطقی نقالات باید بالا رود. و ما توجه به اینکه بر این دیکتاتوری و احسانتی که در جامعه ما بوده است. باشن بودن آگاهیهای سیاسی بصورت یک بیماری مزمن اجتماعی درآمده است. در اینجا تضادی بین میناید. ضرورت و بیجدهگی کار از یکسو و از سوی دیگر بوده‌های متعددی که بر اثر حاکمیت جدید و چند سالد پلیسی - نظامی یک رژیم فاسد ضد خلقی امکان نیابد نظر و آگاهی را در کمترین حد خود نیز سافساده‌اند. در این تضاد عوامل سدی نیز به بیجدهگی تضاد کمک میکند عناصر معلوم الحال و ارجحی که برگ تاریخی خود را در رشد آگاهیهای مردم میبیند با الحصار ظلمی های اجتماعی خود موع بر- خورد صریح و مستقیم ما و سفا سده و همانطور که خود شاهد بوده‌اید با شن کشیدن سائل فرعی، کارکنی های متعدد، بخش و سر ایامات سر تا با حمله و دروغ و ...

علا ناعث میسود ما هم ما- حیرا- مقداری از سروهایمان را صرف کارهای فرعی کنیم و هم شما فرصت مطالعه و فکر بیشتر روی مطالب و سائل سیاسی ندانسته باشید. از همه اینها گذشته بسیاری از سائل که باید مطرح سده و خلاصی گردند قطعاً شکل مییابند و برای درک آنها باید مطالعه مقدماتی لازم را داد. در اینجا تضاد مینوان دوگونه حل کرد. ما ما از مطرح کردن این سائل اساسی - که عموماً سنگین هم هستند، صرف نظر کنیم و با از خواهران و برادران خود بخواهیم که ما مطالعه و بیگیری مستمر و با فکر وقت گذاشن بیشتر روی آنها دانش خود را به سطح آن بوسندها و مقالات ارتقا دهند. ما ترجیح میدهم ولو اینکه در اسناد، کار، با سنگلت سعدی روبرو میسوم. راه حل دوم را برگزینیم. البته در کنار این سائل اصولی و سنگین سعی خواهیم کرد که مطالب ساده‌تر و بزبان سلس تری را هم داشته‌باشیم. در ضمن باید توجه کرد که راه حل اصولی این مسئله در واقع انتشار نشریات خاصی است که هر یک برای افکار مختلف بزبان خود آنها منتشر شود. مثلاً نشریه خاص کارگری یا دانشجویی و دانش‌آموزی و با ...

که فعلاً با توجه به امکانات و محدودیتهای ما چنین چیزی ممکن نیست. گذشته از تمام این سائل منظر پیشنهادات عملی شما در این باره هستیم.

مشکلات فردی و خانوادگی را باید جزئی از مشکلات کل جنبش دید

هر هفته نامه‌هایی بدستمان می‌رسد. خصوصاً از خواهران و برادران دانش آموزان، که بنحوی گله کرده‌اند از ممانعت سیاسی و ایدئولوژیکشان. این خواهران و برادران از ما رهنمود و کمک خواسته‌اند. بنظر ما این مسئله یک واقعیت اجتماعیست و باید با آن بصورت "واقعیت" برخورد کرد. تعدادی از خواهران و برادران ما، آن چنان از این مسئله عصبانی و ناراحت شده‌اند که بارها "تهدید" به خودکشی و اعتراف به عجز و ... کرده‌اند. در حالیکه واقعیت مسئله اینست که مشکلات متعددی در سر راه کل جنبش وجود دارد. یکی از آنها هم این مسئله است. بنابراین خواهران و برادران با این واقعیت باید واقع بینانه برخورد کنند. و مشکل خود را جزئی از مشکلات کل جنبش بدانند

مسئله شوراهای و برخورد قانون اساسی با آن

بقیه از صفحه ۴

من باب مثال اصل یکصدم. علت وجودی و هدف شوراهای را: پیشبرد برنامه‌های اجتماعی ... رفاهی ... از طریق همکاری مردم ... توجه به معضلات محلی. عنوان کرده و کار شوراهای را اساساً "تطبیق" می‌داند. (۳) ...

با نگاه گوناگونی به این اصل و اصول بعدی که توضیحات بسیاری در مورد شوراهای داده‌است در می‌یابیم که قانون اساسی مصوب بجای بی‌رحمی یک نظام توراتی اصل، یک نهاد نظریاتی و صوری ارائه کرده‌است که به هیچوجه با اهداف اساسی خورا هماهنگی ندارد. زیرا: اولاً - حق تصمیم‌گیری و اداره امور از شوراهای ملت و در عوض فقط حق نظارت به آنها داده شده است. ثانیاً - در حالیکه شوراهای واقعی بطور عین عین‌کننده و اصلی مردم در امور ملکی هستند. اصل یکصدم شوراهای را صام همکاری مردم سده است. ثالثاً - هیچ اشاره‌ای به حق خود محارزی داخلی نیست. حتی ستم مصاعف سده است. رابعاً - صلاحیت این شوراهای هیچوجه شامل فابوگراری محلی و نیز حفظ امنیت داخلی و ... شده است. خامساً - یکی از بزرگترین غاشن این اصول - در اصل یکصدم سوم به جسم سحورد آخا که میگوید اسناداران، فرمانداران، بخنداران و سایر مقامات

اردوی سازندگی در میان مردمی اسپر

بقیه از صفحه ۴

متود. کشاورزان در حین عبور از جاده‌ها و مزرعه با حرکت دانشان هم که سده، سلام علیک گرم خود را سار میکنند. آنها حیان هم نام میسرم دشفا برادران ما اطمینان کرده‌اند، که خصوصی ترین مسائلشان را نیز در میان میگذارند. برای انجام کوچکیس برنامه‌هایشان نیز با جحفا مشورت میکنند و در مقابل هرکس که از اردو مخالفت کند میایستند. وقتی که مرتجعین برای سهم ردن کار اردو به روستا آمدند ما سینه‌های سیر کرده و خون جوش آمده روستائیان مواحه شده و فرار کردند.

برنامه یکن روز کار اردو

وسعت حوزه فعالیتیمان را امکان‌آمان تعیین میکند، مثلاً ما اینکه خدمات درمانی وسیعی را پیاده کردیم فعالیت عوامی اردویمان محدودتر بود. برنامه کار یکروز اردو در ماه رمضان را مینواند حسن خلاصه کرد: ساعت ۴ آماده همگی سیدار میسوند و بعد از صرف سحری در جاده‌هایی که سر خاک تنها مدرسه روستا افراشته سده است به سار جماعت میایستند. سار را به امانت یکی از برادران شروع کرده و با مایشایی جمعی به پایان میبرد و هنوز خورشید از پشت ابرها سر سرباورده که همه سیهایی کار میسوند. آنگاه که محل کارشان به اردو نزدیکتر است سیم ساعتی در سار از بقعه حرکت میکنند ولی همگی قبل از شروع کار به لحاظ تشنگی تقاهم و روحیه جمعی و جدید مینای با شهیدی سازمان دایره‌وار میایستند و سرود سخجوانند. آنگاه به کار ساختمان میپردازند. یکی آنگاه لگد میکنند، دیگری گچ میسارند. آن یکی آجر روی هم میگذارند و ... بر دیگری ظاهر همه دست از کار میسند و وسائل را جمع آوری میکنند و سرود جوانان به جادری "قلعه‌مو" بار میگردند. پس از طاف رورانه وجود ندارد و ما در آنجا تبلیغات درست حسابی نداریم. ... و بالاخره اظهار امیدواری که تمام کشور را با یک عینک ببینیم. ضمن تشکر از این برادر و تمام برادرانی که در هر نقطه از مملکت چنین تصویری را دارند، میگوئیم برادر این گوی و این میدان، میدان بیا و خودت مجاهد را بگیر و ببر و بخش کن و خودت برنامه بگذار و تبلیغ کن و هرچه که از دست برمیآید، برادر با برادران مجاهد ما در سیراز نمان بگیر و از آنها راهنمایی بخواه. انتظار داریم که "میسود" و "میتوانم" را نشویم.

عده‌ای از برادران و خواهران سؤال کرده‌اند منظور از عبارت "شکا" ضد خلقی" که در اعلامیه شماره (۲) مجاهدین خلق در رابطه با کوتاه کردن دست دشمن اصلی (امپریالیزم آمریکا) آمده است چیست؟ مقدماً باید یادآور شویم که در فرهنگ انقلابی و توحیدی سازمان ما هر کلمه تعریف دقیق و مشخص خود را دارد. مثلاً "خلق" دقیقاً مشخص کننده تمام افراد یک کشور است که در جنبه مخالف امپریالیزم نواز دارند. از هر ستر و طبقه و گروه ما هر طرز فکر و بهمین تربیت "ضد خلقی" بیاگر عنصر دشمن اصلی و وابسته گان مستقیم آن است. (مثل رژیم گذشته و وابستگان فعلیش). بنابراین یک سازمان انقلابی هر چند ممکن است در جوهری با برخی نیروهای ضد امپریالیست تضاد داشته‌باشد ولی هرگز ضد خلقی در مورد آنها اطلاق نمیکنند.

در اعلامیه مذکور آمده: "به عبارت دیگر ما ضمن محکوم کردن هر گونه بی اطلاع گذاشتن مردم از موارد فوق هشدار میدهم که همچون گذشته نسیاستی این مدارک در باگانی این اداره با آن کمیته بلا اثر گردد. چنین

کندوزی از طرف دولت عین ستمود (به از طریق رای خوراهای) (۴) ساداً - در فرار دوم اصل یکصدم با اواع قند و سدهای کنداز" و قابل تعسیر، دست‌فانوس‌گذاران بعدی برای محدودیتهای هرچه ستر (در مورد شوراهای) بار گذاشته شده است. مثلاً "معلوم نیست چه نوع موع میگیری - هائی واقعاً عنوان، "صدیت با نظام جمهوری اسلامی" دارد؟ و ما از کجا معلوم که سلسله مراسی که برای خوراهای در نظر گرفته خواهد شد، سراسر از حق مردم را محدود کند. و بر همین قیاس است شرایط اسباب کندگان و ... شروط دیگر. سابعاً - ما قند ما توجه به تفصیلات محلی، چه خصوصی برای شکل همین شوراهای "اسمی" در همه ساطق وجود دارد؟ (اصل یکصدم) سابعاً - در اصل یکصدم چهارم منظور از "تشکیل خوراهای" در سوسان سعمی، کشاورزی و ... را نامن سطر اسلامی، همکاری در سیه برنامه‌ها و احاد هماهنگی در سیرت امور، عنوان کرده است. در حالیکه صلاحیت شوراهای واقعی در سگونه سوسات، شامل برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و اداره، کامل سوسات فوق‌الذکر در همه رسدهاست. و تنها با این نحو، فقط "اسمی" نام میگردند. در غیر اسصورت، از آخا که رحمتگان و تولید کنندگان عفت

فئودالهای شهر نشین

بقیه از صفحه ۴

برای آمادگی ترک در کلاس‌های معمول مطالعه میسوند و هنگام غروب بعد از اعلام کلاسهای سیاسی - ایدئولوژیک، هر گروه به سئوالات مشول آن، کار رورانه را جمع سدی و بعد میسند با اینکه در فردای دیگری همگی با کیفیتی سیر جارسان را یکا میگردند. علاوه بر کس تجارت ارزنده کار جمعی برادران و خواهران ما موع به انجام اقدامات زیر شدند:

- ۱- ساختن یک یل سیداری و ایدگی سجد فلعو
- ۲- احاد کساخله در روستا های تل سجا فلعو و هراتال
- ۳- معضرات اساسی سدرسه، ستریزی جاده مقابل آن و احاد سروس سیداسنی کامل در فلعو،
- ۴- ساختن یک مدرسه در فوام آباد (این مدرسه سیم تمام است و فرار است از همت اهالی سجا بود.)
- ۵- ساختن یک سجا بود (مقصود از آن، نام درمانگاه ظالعایی)
- ۶- سیه تمام وسائل و امگا- سات رژیم رای احاطل ۳ پل در مقصود آباد که عینا در اختیار مردم روستا قرار گرفت.
- ۷- سیمانی ۱۶۴ سجار ماغ سوه و ریس معقد و خالوس محسین سارزه ما موع سحرانی در ۲۵ روستای منطقه از جمله روستاهای فاسم آباد، ملیان، هفت جوان، باقرآباد، سار- حال، سمن آباد و ...
- ۸- در سمن مردم ۲۵ روستای منطقه سوسله اکسپ سار حسن
- ۹- دایرکردن کلاسهای جدیدی و تقویس در روستاهای تل سجا، فلعو و ...
- ۱۰- مایشایی کوج و اصلاح ماررات حلی نظار در همه روستاهای منطقه
- ۱۱- سزگاری سرام سدفسیر سیمندال، احیا و سرگذشت سدر ظالعایی.

انسانی در تنه و عظیم کارها و کسیر امور دارند و هیچ مرجع دیگری (به ویژه سرمایه‌داران و کارفرمایان) سز حساسند مدافع حقوق آنان نباشند سنها سطر اسلامی بلکه همکاری کارگران و کارسدا و سیه هماهنگی در سترت امور عملی خواهند شد. کدریم از اینکه اشاره اصل یکصد و چهارم به "همکاری و احاد هماهنگی در ... به منظور ارتقاء حق اداره و تصمیم‌گیری خوراهای بوده است. سابعاً - و بالاخره در اصل یکصد و ششم، امکان "احلال" زانه عنوان آخوس محدودیت خوراهای ذکر کرده است. تا هرگاه یکی از این خوراهای موانع (ظلعایی) را سنی کرد، او به سرح رحمتگان موع فاطه گرفت. به سبولت سنوان آنها را سحل کرد. و از سترش راحت شد. البته سزاری از موانع مورد اشاره بعداً سوبت خواهد شد. موانعی که هیچ عیدی برای دفاع از خوراهای واقعی احاد نخواهد کرد.

می‌بیند کما وقتی سحر از کتی‌گویی است اصل سضم (اصول‌گویی) به "تورا" ها عیاب ستر ستمود ولی به مجرد اینکه وارد سوسج و ستر سده روستا سدمعی و سخص میسند قدم قدم بحوائی خوراهایی میگرد و سها ما به صورت آبروی در دست سیم حاکم در مآد، به شخصی برای حاکم مردم ...

در غیر اسصورت، از آخا که رحمتگان و تولید کنندگان عفت

۱- این اصول سترتند از: اصل هفتم (در فصل اول- اصول گئی) و اصول یکصدم یا یکصد و ششم (در فصل هفتم - خوراهای) ۲- در اصل هفتم حسن آمده است: طبق دستور قرآن کریم: و ابرهم شوری بسیمم و "شاوریم فی الامر" خوراهای: مجلس شورای ملی، شورای اسان، شهرستان، شهر، محل سهرستان، روستا و نظایر آنها و اداره امور کشورند. موارده، طرز تشکیل و حدود احصارات و وظایف خوراهای این فابوس و فواسن باسی از آن معنی میسند. ۳- اصل یکصدم به این سرح است: برای بسپرد سربع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، سمرانی، سیداسنی، فرهنگی، آبروس و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم ما توجه به معضلات محلی اداره امور هر روستا، حسن، شهر، سهرستان یا اسان با نظارت شورای سمام شورای ده، حسن، شهر، سهرستان یا اسان صورت میگرد که اعضای آن را مردم همان محل اسخت میکنند. شرایط اسخت کندگان و اسخت تولدگان و حدود وظایف و احصارات و نحوه اسخت و نظارت خوراهای مذکور سسته مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و رعایت ارضی و نظاه جمهوری اسلامی و تابع حکومت مرکزی باید قانون معنی سجد. ۴- اصل یکصدوم سوم به این سرح است: اسناداران، فرمانداران، بخنداران و سایر مقامات کسوری که از طرف دولت عین میسوند در حدود اختیارات خوراهای مبرم به رعایت خصصات آنها هستند. (ما توجه نمود مختلف از حمله محدود سوس حوره عمل خوراهای و به خصوص حسنه ظاری آنها، معلوم است که قسمت اخیر اصل یکصدوم عارمی سنی است)

طرز برخوردی در اذهان ملت ایران جز معنای قرارداد خود با سزکای ضد خلقی خود را از معرض تضاد مکانات خلق نموده و تنها اسباب تسهیل خوراکاریهای ضد انقلابی بعدی آبادی سنا و ساواک بوده و مییابد. با توجه به تعریف مشخص "خلق" و ضد خلقی " مشخص میسود که مورد خطاب این عبارت اعلامیه وابستگان و ساواک است که از ترس افکار عمومی در راه افشای اساسی وابستگان به سنا و ساواک کارکنی میکنند. کسانیکه به دلیل سوابق آلوده به وابستگی به سنا و ساواک میخوانند جلوی افشاکری ها گرفته شود. و به این ترتیب " سزکای ضد خلق" خودشان را هم از مکافات می رهاوند، و باعث میسوند نطفه‌های خوراکاری در جامعه پس از انقلاب باقی بماند.

بنام خمینی، علیه خمینی

تاکتیک جدید سیا و ارتجاع

از همان آغاز پیروزی قیام نیست به سو، استفاده از نام امام و بهره برداری‌های معرضانة از اعتبار و محبوبیت توده‌های ایشان هتدار داده بودیم. مجاهدین در نخستین روزهای ورود امام به ایران طی نامه‌ای به شخص امام، از مقاصد و اغراض عناصر یا جریاناتی که سعی دارند تحت نام ایشان هدفهای خود را پیاده کنند، پیرو برداشتند. همان مقاصد و اهداف فرصت طلبانه و ارتجاعی که در نخستین قدم با دور کردن نیروهای اصلی از امام و دست بردن و بدین وسیله مردم نسبت به آنها قابل وصول بوده‌است. تا اینکه زمینه خارج ساختن انقلابیون واقعی را از صحنه فراهم کرده و با سفرد نمودن آنها از مردم - شرایط را برای سرکوب و قلع و قمع آنان مهیا کند.

اخیراً اعلامیه‌های متعددی در همن جهت انتشار یافته و به‌وفور در میان مردم مخصوصاً اقشار ناآگاه بخش شده است. یک نمونه از این اعلامیه‌ها را که در آن خطاب به اعضای سازمانها و گروههای "توحید و غیر توحیدی" ! که به اتهام "قرار بداشن در خط متی امام خمینی"، تهدید به محاکمه غیابی و قتل شده‌اند عشا در اینجا می‌آوریم :

بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله القاصم الجبارين بسم الله المشتكين
مخاطب پیش بر مدارزات ضدامیرالیتی و صد مارکتیستی مستضعفین ایران و جهان، تمام گروهها و پنهان و مقاماتی که در خطمتی امام خمینی نیستند هتدار میبیم و اگر جویدا اصلاح نکنند دردادگاههای غیابی آنها مطابق قرآن محاکمه و به زندگن آنها عاقبت خواهد پیاد.
۱- اخطار به کسانی که در بلای روحانیت هتدود میخوانند و روحانیت هتدار لطمه وارد کنند
۲- اخطار به تمام وزراء و پنهانیه مملکت که میخواهند آگاهان به اسلام حیات کنند
۳- اخطار به تمام استناددارها و به تمام فرماندارها و به تمام شهر دارها که در خطمتی امام نیستند و یک ایام به اسلام القاطب دارند
۴- اخطار به تمام هتدوکارها و گروههای توحید و غیر توحیدی
۵- اخطار به چریکهای فضای خلق و چریکهای فراری از خلق و مجاهدین خلق و مجاهدین ضدخلق، منافقین ایران - چریکهای ضدخلق
۶- اخطار به آقای که بدن - بدن - می‌کند و میخواند از خون استاد کبیر ما «طالبانی» به غلط به سود مارکتیستی استفاده کند.
۷- اخطار به تمام ساواکیها و حزب رستاخیزها و مهر مهری فراموشان و مهر مهری و سایر که در ایران بدخل توطئه هتند.
۸- اخطار به افرادی که خود را دردل انقلاب ما جا کرده و میخواهند با ظاهر می‌نمایند بر علیه اسلام اقدام کنند.
۹- اخطار به تمام توزیع کنندگان مواد معضد.
۱۰- اخطار به آقای که از راههای غیر شرعی سرمایه بدو بخوانند و چون مستضعفین را کمبند
ما لازم دانسته ایم طبق قانون الله که در قرآن مجید می‌باشد اولاً به منافقین و دشمنان اسلام آگاهی دهیم و در صورت اصلاح نشدن آنها دردادگاههای غیابی طبق برنامه‌های خدائی محاکمه و به زندگن آنها خاتمه دهیم.
سازمان دانشجویان خط امام در لانه جاسوسی و روحانیت مبارز و حزب مستضعفین و حزب الله را تأیید می‌کنیم.

درد و بر خمینی بت شکن ابرو در تاریخ زمان پاداران خون شهیدان داده حق گروه نظام گمراهه مشغول و خون

البتة این به اولین و نه آخرین اعلامیه‌ای است که معمولاً تحت عنوان "اشتاکری" ! و با امضاهای کامل (که خود بهترین دلیل بر متشکر بودن آنهاست)، چسب می‌تود و ابواب تهمت و افترا و تهدید در آن مطرح میگردد.
ما از همان آغاز بارها و بارها چه قبل و چه بعد از قیام همن ماه نظور رسی و علنی نسبت به حرکات تفرقه افکنانه و توطئه‌هایی که در جهت خدشه دار کردن ویی اعتبار ساختن انقلابیون از جانب ایادی ساواک و سیا و برخی عناصر معلوم الحال دیگر صورت میگرفته هتدار داده بودیم. مواضع ما در این مورد بر اساس یک تحلیل مشخص از عملکرد توطئه های امیرالیتیستی برای تسریع بازسازی نمود ریشه کن شده خود بوده است. به موجب این تحلیل امیرالیتسم به دنبال سیاست جدیدی که در پیش گرفته‌است همواره به ضادهای فرعی دامن زده و با از دامن زدن آنها استقبال میگردد است. بدین معنی که : " ابتدا با علم کردن مسائل فرعی و حاشیه‌ای و دست گذاشتن بر نقاط اختلاف نیروهای مختلف و مبارزه راه گانه‌های فرعی گشائده و از مسیر اصلی منحرف میکنند. بدین گونه ، وحدت اصولی مردم در مسیر واحد مبارزه ضد امیرالیتیستی با به فراموشی سپردن قاعده "لا اله الا الله" که همان اصلی و فرعی کردن مسائل و مشکلات باشد ، خدشه‌دار میشود ، آنگاه نیروهای مختلف را بجان هم انداخته و در این میان تا بتوانند با لگداز کردن انقلابیون راستین ، همان غرضندان سازش ناپذیر خلق ،

در تیرماه ، کارگذاشتن سلاجهای سنگین و تفنگ دوربین دار در مقابل ستاد مرکزی مجاهدین بر اردبیهت ، حمله به ستاد برادرانمان در خرم آباد آبادان ، اصفهان ، یزد و پختن شایعات و اتهامات بوج و بی‌اساس بطور سیستماتیک و در سطح وسیع برای بدین ساختن مردم و تحریک آنها علیه نیروهای انقلابی از معمول‌ترین این شوههاست . مرکز سپاه پاسداران را در قم با تاراجک مورد حمله قرار دادند و سپس شایع کردند که کار مجاهدین بوده است. همچنین خوانندگان عزیز اطلاع دارند که در جریان حمله به ستاد مجاهدین در قم جهت‌های تنگین و بی‌ترانه‌های علیه خواهران و برادران ما در آنجا و در واقع علیه سازمان در سطح شهر برآوردند که خوشخانه یا هوشیار و اقدام سخاغانه فرزند امام تا حدود زیادی توطئه خشتی شد. مگر اندکی افتاده مغالبتی که در ارتباط با سازمان شناخته‌شده‌اند بطور مخفانه دستگیر و سراز صرب و حرح و تهدید و باز حوئی بدون حسا گذاردن ردپایی از مهاجمین ، رها

بزرگداشت شهدات مدرس

آیت و سبیلی از روحانیت بیدار و مبارز ایران که امروز آرمان ضد استعماریش را در مواضع قاطع و اراده ضد امیرالیتیستی

امام خمینی مجسم می بینیم

بنام خدا
بنام خلق قهرمان ایران
دهم آذرماه جاری ، چهل و یکمین سالروز شهادت مدرس بزرگ ، گرامی باد .

مجاهدین خلق ایران ، خاطره گراندن این بیستوی بزرگ سیاسی و روحانی خلق را گرامی داشته و گرمترین سلام انقلابی را نثار میکنند. پیشوای مردم ، مرحوم سیدحسن مدرس از پیشگامان متقدم مبارز ، بر علیه استعمار انگلیس و دیکتاتوری رضاخانی بود .
چه در آن هنگام که قاطعانه در برابر قرارداد تنگین (۱۹۱۹) و توق دولت در برابر استعمار نابکار انگلیس قد علم کرد و چه در آن هنگام که رو در روی رضاخان قلندر فریاد میزد که : "سبحانم تو نباشی ..."
"ری پیشوای آزادی ، در زمره مردان اندکی بود که به هیچ صورت با رژیم رضاخانی کنار نیامده و بر سر حقوق خلق حاضر به معامله نشدند. من جمله هوشیاری مرحوم مدرس را میتوان از پاسخ قاطع و دندان شکنی که به رضاخان در برابر وحشتناک جلوه‌اندان بالشوکیک ها برای کشاندن مدرس به سمت دشن اصلی (که در آن موقع استعمار انگلیس بود) داد دریافت نمود. رضاخان انگلیسی به مدرس گفته بود: "... حاضر با شما کار کنم و همدست شویم و به این اوضاع خراب خاتمه دهیم ، چه میترسم ایران بالشوکیک شود ..."
لکن مدرس فراتر از آن بود که با این حیلدهای مزورانه دشمن اصلی را فراموش کرده و در دامش بیافتد. و دقیقاً بدلیل همین سازش ناپذیری بود که ارتجاع پهلوی تاب تحمل مردانی نظیر او را نداشت. بویژه که جاسوسان رضا خان گزارش کرده بودند که کارگران یک ساختمان به امر مدرس شپها مشق نظامی میکنند تا اکنون که روشهای پارلمانی به نتیجه نرسیده قلدر مستگر را با گلوله از پای درآورند. پس بیخود نبود که سردار سپه میگفت :
" اگر من کودتا نکرده بودم ، مطمئن باشم که "مدرس" کودتا کرده و همه ما را بدار می‌آویخت ..."

چنین بود که رضا خان جنایتکار از هیچ تهمت و ضرب و جرح و ترور در حق مدرس فروگذار نکرد. منجمله بیاد میآوریم زمانی را که مزدوران وحیده خواران در کنار مجلس فریاد میزدند "مرگ بر مدرس" ! که در این هنگام مرحوم مدرس با خونسردی و نگاه حقارت بار روی بجانب آنان گردانید و گفت :

" گوئید زنده بادمدرس چون اگر مدرس نباشد دیگر چه کسی به شما پول میدهد که بگوئید مرگ بر مدرس" و آنگاه فریاد زد "مرگ بر رضاخان".
تا آنکه سرانجام پس از آنکه طرح ترور آن مرحوم نافرجام ماند و مدرس قاطع تر و گردنفراتر از همیشه از بیمارستان به میدان مبارزه بازگشت. دیگر برای قدرت اهریمنی حاکم راهی جز تبعید به خاف و سرانجام مسوم و شهید نمودن در ماه رمضان باقی نماند ... امروز تربیت بانک مدرس، پیشوا و شهید آزادی ، در شهر کاشمر زیارتگاه همه مشتاقان استقلال و آزادی می باشد .

میهن است. آیت و سبیلی از روحانیت بیدار و مبارز ایران که خوشخانه ما امروز آرمان ضد استعماریش را در مواضع قاطع و اراده ضد امیرالیتیستی امام خمینی مجسم بینیم .
باشد که راه ضد استعماری که مدرسها آغاز نمودند و خمینی ها باوج رساندند ، بهمت تمامی این خلق قهرمان هرچه زودتر قرین افتخار و توفیق نهائی گردد .

آری ، امروز فرزندان مدرس دیگر آموختند که سرانجام بایستی با یک قهر سازمان یافته انقلابی با استقبال دشمن رفت .
مرگ بر امیرالیتسم امریکا
سلام بر آزادی - سلام بر مدرس
مجاهدین خلق ایران
۵۸/۹/۱۵

شده‌اند. همچنین جدیدترین بورش خصمانه ارتجاعی بر علیه مجاهدین را در گزارش مربوط به جریان اشغال سفارت امریکا در اصفهان در "مجاهد" شماره ۱۱ خواندید.
در همین ایتها درجهت همان توطئه‌های شبکه جاسوسی سیا برای سرکوبی نیروهای انقلابی به شرح زیر برده برداشته شد:
"گزارش سری دیگر تحت رهبری فردی بنام دیوید دامن نیوسام ، یک کارشناس درجه اول سیا و پنتاگون و خواننده‌داری در کاغ سفید برای مطالعه روی ایران تشکیل شده‌است. آقای نیوسام فارغ التحصیل کالج دفاع ملی و

متخصص سرکوب جنبشها و کودتاها است ... گزارشات سری سازمان جاسوسی امریکا نشان میدهد برنامه - ریزی مشخصی در دست است که رهبران سازمانهای انقلابی در ایران را ترور کنند. این برنامه از سه ماه دیگر شروع به اجرا خواهد شد. یعنی پس از کسب اطلاعات و شناسایی های لازم" (گزارش مراسم چهار خرداد ص ۲۹)
این سخنان در اوایل خرداد ایراد شده بود. در اوایل شهریور اعلامیه متشکوگی با امضای "سازمان نگهبانان انقلاب اسلامی" در تهران انتشار یافت که در آن از مجاهدین خلق ایران در کنار عوامل چپ روسی و چینی و آمریکائی " نام برده شده و ضمن قلمداد کردن آنها به عنوان بزرگترین خطر کنونی انقلاب اعلام داشته بودند که تاکنون موفق به شناسایی ۵۵ تن از " چهره‌های " این سازمان شده‌اند سپس برای آنها خط و نشان کشیده بودند. اکثر اقدامات مذکوره که تاکنون درجای این سا و ساواک در آن دیده شده است همن هدف را دنبال مینموده‌اند.

در روزهای تخلیه دفتر مرکزی مجاهدین مکرراً توافقی از فعالیت بقایای ساواک در حول و حوش ساختمان که به قصد درگیری و تهاجم آماده بودند دیده شد که مدارک و عکسهای آن در مصاحبه مطبوعاتی روز تحلیله در اختیار نمایندگان مطبوعات قرار گرفت.

زمنه سازی برای سرکوبی و بزربنوع کشاندن انقلابیون

بارها اعلامیه‌های متشکوگی صادر گردیده که در آن ادعا شده مجاهدین در ترور شخصیت‌هایی چون مطهری و حاجی عرفانی و ... دست داشته‌اند. که همدی جز حرکت افتخار آنگاه برای تهاجم بعدی و به تسریع کشاندن نیروهای اصل و مردمی و خلاصه اجرای همان مقاصد پلید امیرالیتیستی ستوانست داشته‌اند. در اغلب اجتماعات خصوصی مواردی که ناآگاهی بر توده‌های ترک کشند حکمفرماست و امکان فریب و تحمیل بیشر است. دستهای مرموزی بلافاصله شروع به توطئه و تبلیغ معرضانه علیه انقلابیون مسلمان کردند از هیچ برجست و افتراشی دریغ نمی‌سایند.
در همین نماز جمعه روز عاشورا پس از برشوگه‌ترین تظاهرات متحد ضد امیرالیتیستی مردم اعلامیه‌ای به امضای " جوانان اشتاکر شرق تهران" ؟ تحت عنوان " دشمنان اسلام را بشناسیم

ماده ۳۳ قانون کار طاغوتی در جمهوری اسلامی هنوز هم اجرا میشود!

تقیه از صفحه ۳

دست زد. و در این راه از مقامات مسئول کمک خواست ولی نتیجه‌ای گرفت ، که هنوز جواسی گرفته‌اند. تا اینکه در تاریخ ۵۸/۸/۱۶ مواد اولیه تمام شده و کارخانه خوابید. در این امر سر ردهای کارفرما بخوبی پیدا است. کارفرما برای خواباندن کارخانه دست به ایجاد اختلال در فروش تولیدات زد. که به گفته یکی از اعضا تورا، کارفرما با تبلیغات سوء علیه تورا و ساخت و یاخت با مشتریان سابق کارخانه و سایر خریداران مانع فروش تولیدات شده‌است. و به این



ستم طبقاتی زن و مرد نمی شناسد
مینمایند. وگرنه دلایلی نداشت که این عناصر وابسته به امیرالیتسم چشم به سفرهای زنگین از خون دهها هزار شهید ما بدونند. قدر مسلم زحمتکشان مبین ما همواره با مبارزه ضد امیرالیتیستی تمامی خلق راه گلولی این مرغان ماه، خوار را خواهند بست .
خاطر نه تنها شورا تاکنون نتوانسته است مواد اولیه را تهیه کند بلکه اگر سفرهای زنگین از خون دهها هزار شهید ما بدونند. قدر مسلم زحمتکشان مبین ما همواره با مبارزه ضد امیرالیتیستی تمامی خلق راه گلولی این مرغان ماه، خوار را خواهند بست .

در میان مردم توزیع میشد که در آن نوشته بود : "... از همه منافق تر مجاهدین خلقند که این روزها در دیوار را با هکاری رقا !!! اعلامیه - هائی با نامه‌ای مستعار موجد - میثاق - قسط ... پوشانده‌اند تا ذهنهای مردم را از قانون اساسی منحرف کنند - البته خداوند منافقین را رسوا میکند - اینها همه تاکتیکهای بوده‌اند که امیرالیتسم در اواخر عمر رژیم شاه در رابطه با سیاست جدید حیاتی خود در پیش گرفته بود و همواره بوسیله کارگزاران و نظریه بردارانی نظیر "جعفریان" در ایران پیاده میشده است . (به مقالات استادی از توطئه - هان سیستم آریامهری در شماره‌های گذشته "مجاهد" رجوع کنید)
اشاره دهید که در اینجا به یکی از ماموران ورزیده ساواک که سالها در مکتب جاسوسی سا تعلیم دیده و وظیفه سرکوبی نیروهای انقلابی را در ایران عهده داشته - تهرانی معدوم - اشاره‌ای کنم . وی در برنوشه تحریک ضد انقلابی خود دقیقاً همان خطی را برای سرکوبی انقلاب پیشنهاد میکند که استاد امیرالیتست اتن در پیش گرفته بودند. این خلاد سر سیره رژیم سابق بی از دستگیری . در اواخر عمرش در زندان، نگران اسلام و جمهوری اسلامی شده بود و در نامه‌ای که در باره تحلیل و ارائه پیشنهاد برای پیشبرد انقلاب اسلامی نوشته بود ، تفرقه اندازی ، خدائی ، وحدت کلمه و نهایتاً حکم داخلی را برای جامعه ما پیشنهاد میکند و با وفاق هرچه نامتر میخواند تا در این امر سهم خود را ادا کند ! !

مطلب زیاد است ، اما به عنوان یک ایرانی مسلمان که از ابتدای استخدام در ساواک (۱۲ سال) در اهداف مبارزه با کمونیسم کار کرده و از نزدیک وضعیت گروهها و دستجات مختلف مارکسیستی را تا حدودی میدانم ، اعلام خطر میکنم که دولت موقت انقلاب اسلامی و بطور کلی مسئولین امر باید هرچه زودتر برای مقابله با این گروهها و دستجات منجمله ... و دهها گروه بدون نام دیگر که وجود دارند ... و گانوشها و انجمن های مختلف به اصطلاح روشنفکری منجمله گانوش و کلا ، انجمن نویسندگان و شعراى ایران ، گانوش پرورش فکری کودکان و نوجوانان و حتی در داخل سازمان رادیو تلویزیون و در روزنامه‌های "کیهان " ، "آیندگان " ، "اطلاعات و غیره نیز عده‌ای از عناصر کمونیست وجود دارند ..."
(از نامه تهرانی خلاد و تکه کار ساواک) (بغه در شماره بعد)

مستولبت کار نکردن چسب کارخانه - هائی با چه کسی است ؟
با معطل شدن این کارخانه و وارد شدن کارگران آن به دور حدیدی از مبارزات خویش شاهد لگام کسبختگی سرمایه داران وابسته هسم . سرمایه دارانی که برای توطئه‌های ضد کارگری خویش از هر موقعیتی سود میجویند . و لابد موقعیت کنوی انقلاب ایران را برای استحکام مجدد سیستم سرمایه داری وابسته مساعد میسندد که این چنین گستاخانه از نقاط ضعف سیستم حاکم سو، استفاده

اسناد و مدارک امپریالیسم آمریکا را افشا کنید

بافروستادن اسناد برای افشای ما را یاری کنید

متن کامل قرارداد هیئت مستشاری

نظامی آمریکا در ایران

بدنیال تأخیرهای مقامات مسئول در افشای متن و محتوای قراردادهای اسارت بار نظامی - اقتصادی و ... با امپریالیسم آمریکا ما با توجه به امکانات اندکمان بنا به رسالت مکتبی و ضد امپریالیستی خود بافتی آنچه توسط علاقمندان و هواداران بدستمان برسد اقدام خواهیم کرد.

تقدیم به پرسنل انقلابی ارتش که در مبارزات با رژیم پارتی مبارزانه و شجاعانه و در راه آزادی و استقلال ایران کوشش می‌کنند

AGREEMENT BETWEEN THE GOVERNMENT OF THE UNITED STATES OF AMERICA AND THE GOVERNMENT OF IRAN. In conformity with the request of the Government of Iran to the Government of the United States of America, the President of the United States of America has authorized the appointment of officers and enlisted men of the United States Army to constitute a military mission to Iran under the conditions specified below: ...

در این شماره و چند شماره آینده ما متن کامل اولین قرارداد هیئت مستشاری آمریکا در ایران را با ترجمه آن حاب خواهیم کرد. و برای درک

TREATIES AND OTHER INTERNATIONAL ACTS SERIES 1666 MILITARY MISSION TO IRAN Agreement Between the UNITED STATES OF AMERICA and IRAN. Signed at Tehran October 6, 1947. Entered into Force October 6, 1947. UNITED STATES GOVERNMENT PRINTING OFFICE WASHINGTON: 1948

دولت آمریکا حق دارد هر موقع که "منافع ملی آمریکا" اقتضا کند کلیه کارمندان را احضار کند

ماده ۱ - اعضای این هیئت در یک اداره است. ... ماده ۲ - اسرار ارتش و اسرار دولتی که در اختیار این هیئت قرار داده شده است ... ماده ۳ - اسرار ارتش و اسرار دولتی که در اختیار این هیئت قرار داده شده است ...

A) By either government subject to three months notice in writing to the other government; B) By either government at any time, upon written notice, if that government considers it necessary due to domestic disturbances or foreign hostilities; C) By the Government of the United States of America at any time upon written notice that the presence of the Mission is necessary in the public interest of the United States of America, without necessity of compliance with provision (A) of the article.

سعی خواهیم کرد یک یک مواد را به دقت بررسی و تجزیه و تحلیل کنیم. تا از آن طریق بتوانیم جواب سؤالات را پیدا کنیم. ... ماده ۱ - طبق رسم تمام قراردادهای اسارت بار یا جلات عوام فریبانه و زبیا، از قبیل "هدف هیئت، ترفی و بهبود وضع ارتش ایران است" شروع شده. اما اگر با دقت و تا آخر قرارداد را مطالعه کنیم به مضمون اسارت بار آن پی خواهیم برد. ...

اعضاء هیئت از تمام مزایا و امتیازات ارتش ایران برخوردار می‌گردند. ماده ۱۰ - هر یک از اعضاء هیئت با همان درجه ای که در ارتش آمریکا دارد خدمت خواهد کرد ولی برقرار است که در ارتش ایران ارتدیت خواهد داشت. هر یک از اعضاء هیئت از تمام امتیازات و مزایای که بنا به مقررات داخلی ارتش ایران برای افسران همدوره ارتش ایران است برخوردار می‌گردد. اعضاء هیئت لباس متحد الشکل ارتش آمریکا را می‌پوشند. خواهند کرد و علامت مخصوص خدمت در ارتش ایران را در دستها آویخته و تزیینات خاص خواهند نمود.

(ادامه دارد)

نامه سعادت به دانشجویان نیروی هوایی

آمریکا برخوردار بودند و هستند. وحشی که بخاطر اهمیت حیاتی منابع و موقعیت استراتژیکی ایران در منطقه برای امپریالیسم الزام آور است، لذا ما را با دشمنی جوخوار و غارتگر به سرکردگی آمریکا روبرو می‌گرداند. ... این نامه را سعادت در تاریخ ۲۱ آبانماه فرستاده است. ولی از یک طرف چندین روز دیرتر بدست ما رسید و از طرف دیگر در شماره قبل به علت تراکم مطلب نتوانستیم چاپ کنیم. لذا بیست روز از تاریخ نگارش آن میگذرد. ضمناً بعلمت مفصل بودن نامه اجباراً آنرا خلاصه کرده‌ایم.

اعضاء هیئت بر تمام افسران هم درجه خود در ارتش ایران ارشدیت خواهند داشت

نخواهند داشت. اما وقتی در ماده ۸ وظائف و مسئولیتهای هیئت را مطالعه میکنیم، اینگونه میخوانیم: "وظائف شامل تعیین " اصول کار ستاد ارتش" (این جمله را نیز یکبار دیگر بخوانید) و کلیه ادارات وزارت جنگ و ... خواهد بود."

از بکنرف هیچگونه سمت فرماندهی " یا " ستادی " ندارند و از طرف دیگر کلیه خطوط و برنامهدر زمینههای ستاد ارتش آرمیهای (بخوان) آمریکائی (زیر نظر آنهاست. مشخصتر آنکه در ادامه ماده ۹ همجا که میگوید، هیچگونه سمت فرماندهی ندارند بلافاصله آمده است " مهفدا آنها متوانند جناحه " ضرورت اجاب نماید. ... اقدام به بارهای بازرسی ها و تحقیقات رسمی نمایند. این ضرورت " ناسی از منافع ملی ایران و به اصطلاح " به منظور ترفی و بهبود وضع ارتش ایران است؟ یا بطور که در ماده ۴ آمده ناسی از " منافع ملی آمریکا؟ " طبق ماده ۱۰ - اعضاء هیئت از " تمام امتیازات و مزایا... "ی ارتش ایران برخوردارند ولی بر " تمام افسران هم درجه خود در ارتش ایران ارشدیت خواهند داشت. " ماده ۱۰ حکمان واقعی ارتش را سان میدهد. سان میدهد که چگونه مزدوران آمریکائی همچون سپهمنان ناخوانده بر حوان نعمت این سرزمین فرود آمده، به عارت و بیعنا برداخته‌اند و کار را بجائی رسانده‌اند که با وفاق تمام برای خود نسبت به برسل ارتشی تمام ارتدیت فائل اند. اکنون کدام پرسنل انقلابی ارتش است که حاضر باشد بی به جنس خعبو جواری بدهد؟ کدام درجه دار، همافر و اسر سوافتمندی حاضر است که قراردادهای اسارت بار امپریالیستی برای حتی لحظهای هم که شده دوام بیاورد؟

ارشدیت خواهند داشت

اعضاء هیئت بر تمام افسران هم درجه خود در ارتش ایران ارشدیت خواهند داشت

نخواهند داشت. اما وقتی در ماده ۸ وظائف و مسئولیتهای هیئت را مطالعه میکنیم، اینگونه میخوانیم: "وظائف شامل تعیین " اصول کار ستاد ارتش" (این جمله را نیز یکبار دیگر بخوانید) و کلیه ادارات وزارت جنگ و ... خواهد بود."

از بکنرف هیچگونه سمت فرماندهی " یا " ستادی " ندارند و از طرف دیگر کلیه خطوط و برنامهدر زمینههای ستاد ارتش آرمیهای (بخوان) آمریکائی (زیر نظر آنهاست. مشخصتر آنکه در ادامه ماده ۹ همجا که میگوید، هیچگونه سمت فرماندهی ندارند بلافاصله آمده است " مهفدا آنها متوانند جناحه " ضرورت اجاب نماید. ... اقدام به بارهای بازرسی ها و تحقیقات رسمی نمایند نمایند. این ضرورت " ناسی از منافع ملی ایران و به اصطلاح " به منظور ترفی و بهبود وضع ارتش ایران است؟ یا بطور که در ماده ۴ آمده ناسی از " منافع ملی آمریکا؟ " طبق ماده ۱۰ - اعضاء هیئت از " تمام امتیازات و مزایا... "ی ارتش ایران برخوردارند ولی بر " تمام افسران هم درجه خود در ارتش ایران ارشدیت خواهند داشت. " ماده ۱۰ حکمان واقعی ارتش را سان میدهد. سان میدهد که چگونه مزدوران آمریکائی همچون سپهمنان ناخوانده بر حوان نعمت این سرزمین فرود آمده، به عارت و بیعنا برداخته‌اند و کار را بجائی رسانده‌اند که با وفاق تمام برای خود نسبت به برسل ارتشی تمام ارتدیت فائل اند. اکنون کدام پرسنل انقلابی ارتش است که حاضر باشد بی به جنس خعبو جواری بدهد؟ کدام درجه دار، همافر و اسر سوافتمندی حاضر است که قراردادهای اسارت بار امپریالیستی برای حتی لحظهای هم که شده دوام بیاورد؟

ارشدیت خواهند داشت

اعضاء هیئت بر تمام افسران هم درجه خود در ارتش ایران ارشدیت خواهند داشت

نخواهند داشت. اما وقتی در ماده ۸ وظائف و مسئولیتهای هیئت را مطالعه میکنیم، اینگونه میخوانیم: "وظائف شامل تعیین " اصول کار ستاد ارتش" (این جمله را نیز یکبار دیگر بخوانید) و کلیه ادارات وزارت جنگ و ... خواهد بود."

ارشدیت خواهند داشت

اعضاء هیئت بر تمام افسران هم درجه خود در ارتش ایران ارشدیت خواهند داشت

شعر خون در فلسطین دربند

مردم در زیر فشار و شکنجه دشمن، وقتی تدارک ذهنی لازم را ندیده باشند مایوس می شوند بی آنکه با فریاد و مشت گره شده های به مقاومت برخیزند. پرده وار به ستم تن می دهند

اگرچه زندگیم در اشک گذشت

ولی
گل آتشی که در دل دارم
زاد سرمای زمستان من است
(محمود درویش)

شعر ریشه در زندگی دارد. وقتی ملتی آواره می شود و همه جا شکنجه و تجاوز و کشتار و فقر میرساند. چگونه ساکت بماند و به وضعیت تکیه بکند. وقتی جوانهایش با لبان خونین زخمیهاشان، بر ریزه های داغ بوسه میزنند. و با آنها که روزی سرو سامانی داشتند اکنون باید در سرما و گرما در زیر چادر، با صدقه طلب شرح زندگی کند چگونه می تواند نماند:

فردا زمستان می آید
فردا باد کوبنده خواهد شد
و زمین را باران فرا خواهد گرفت
هر کسی در زمستان سرپناهی دارد
ولی من و رفیقان و خویشانم
در شهبای سرد نمیدانیم گاهای نقرت آوری
سر به روی دست می نهمیم و چشم می بندیم
(سالم حیران)

مردم، در زیر فشار و شکنجه دشمن و زندگی، وقتی تدارک ذهنی لازم را ندیده باشند مایوس می شوند بی آنکه با فریاد و مشت گره شده های، به مقاومت برخیزند. پرده وار به ستم تن میدهند. این با س پی از سرکوب برای شاعری که سه عصر است دلگیر کننده است. سرکوب و تسلیم مردم میزادسی آنکه بداند، مردم گناهی ندارند، و اگر ستم به سرنوشت خود، قدرت کار ساز خود وارد شود و خردگی، سرنوشت را برساند، از جان دادن در راه آرمانهای آرستند ترسی ندارند. ولی شاعر این را نمیداند و از مردمی که هستی، عشق، امید و خویشا نشان را در نهاد صیبه های وحشی از دست داده اند توقع انباز قدرت خلاصه ندارد. از مردمی که شکست چند ارتش قوی کشورهای عربی را در جنگ ۱۹۴۸ دیده اند و ننگه شدن رنبا، نجهها و مردهاشان را در کفر فاسم و دیر ناسی و... شاهد بوده اند و در غربت آهیم خون و دینداری، هیچ فریادرسی ندیده اند چگونه میتوان انتظار داشت که با شکم گرسنه، قلب محزون و دستهای خالی در برابر سهمگن ترین دژم تاریخ بایستند. طبعی است که با آهیم نانوایی که از آرس های عرب، مبارزان خودی و آهیم خونینی که از دشمن دیده اند، او را شکست نپذیرند.

شاعر نمیداند این مردم چرا می خواهند و برای روشن شدن جراح کربنی میخواهند که حرم حسم فروخورده شان را منفر کنند. امیدتان بدهد و جسمان را به جسم انداز بر سر آور آینه مار کند و در تجربه ای دشمن تنگ نمیداند که اراده انسان، بر نایک و نوب میتواند حیره خود و تفنگ کهنه در بیخه اغلابی، سنواند بر بیخنده ترین سلاحهای مدرن غلبه کند. چرا همین مردم، وقتی اولش پیروزی سازمان آزادی بخش در سال ۱۹۶۸ یعنی در سرد کرامه تری و باستان را ریح و امسال شکست نابردی اسرائیل برایشان مثل ساحتمان بوسدهای نرهم ریح، دیگر هرگز از مقاومت دست نکشیدند و تفنگ هدم همسنگان شد و همس مردم، فلسطین را فلت خون چکان خاورمیانه کرده اند. شاعر در آن سالهای با س و رکود، نمی تواند به مکانسم نانوایی مردم پی برود و آنها می سوزد:

روشنای و سیران
ناطور و سرزمین خواب
و رسته های زبون هایت

لانه های جعد و عقاب
چه کسی اسفال داس را آماده میکند؟
چه کسی اسفال خاک را بیاز می نشاند؟

برادرت کجاست؟
پدرت کجاست؟
پس چرا خمکنم نمی نوی؟
مادامی که جسم پدرت
بر کشتن های "سب" مطلوب میشود
ما اندوه را سالها حمل کردیم و سحر نشد
اندوه آتشی است
طوفان ها نزد تست
چرا مینارس می کنی؟

(محمود درویش)

شاعر نمیداند برای دگرگونی بنیادی یک نظام، به کینه عمیق نسبت به آن نظام نیاز هست ولی مردم در آن شرایط حقان و ناگاهی و ناامیدی،

پیام مجاهد اسیر سید محمد رضا سعادت بنیامین سالگرد مجاهد شهید حسن ابراری

فراغوش نبی کتم که چگونه در آخرین لحظات حسان ارتجاع بطور وفحانه ای او را به نوبه فراخواند

این هفته مصادف بود با شهادت مجاهد شهید حسن ابراری، مسافانه بعلمت کمبود جا نتوانیم زندگیمان را بر زمین دلب خلق را جاب کنیم. سبی منکنیم هفته آینده نجاب آن مادرت ووزیم، در زیر پیام مجاهد اسیر سید محمد رضا سعادت را به همین مناسبت مآوریم:

بنام خدا
و
بنام خلق قهرمان ایران
" من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا
الله علیه فممنهم من قضی نحبه و منهم
من ینتظر و ما بدلوا تبدیلا"

روز چهاردهم آذر، سوسن سالگرد شهادت مجاهد شهید حسن ابراری است. او را در سحرگاه چهاردهم آذر ۱۳۵۵ در شرایطی به میدان ستر بردند که از یکطرف برادران ما پیش از یکسال بود که مورد هجوم خانثانه ایورنوسیت های جیب ما واقع شده بودند و از طرف دیگر ارتجاع یا بوری همه حاشه حوش سعی در گرفتن آخرین ریغ آنان بود و در واری تمام اسباب دستگاه فاسدسی و مدور آرمه ری آخرین نلای خود را در شکار کامل آنها میسود. فراغوش

مصر داده میشود و سفارت آنها را به بحرین میفرستد و از آنجا با کشتی به سوریه می آید و از راه دمشق در شهبای برستاره وارد اسرائیل می شود. شاعر از این تفسیر من در آوردی بسیار عصبانی شد و گفت: شما انفالگران احق های بی شعوری ستم سبستید.

شاعری بهمن اتهام یکسال زندانی شد ولی زندان او را تسلیم نکرد و بلافاصله پس از آزادی بعنوان مبارز حرفه ای به سازمان آزادی بخش پیوست و در راه آرمانهای مقدس شهید شد.

در سال ۵۷ یعنی در نهمین سالگرد قتل عام " کفر فاسم " عده ای از جوانان عرب - به این ده ویران رفتند تا به یاد آن فاجعه مجلسی تربیت دهند پلیس پیش از آنکه جوانان به محل برسند دروازه آن را محاصره کرد. جوانان بی پروا در برابر مسلسلها و سربزه ها حلقه زدند و صبح الفاسم شاعر مبارز فلسطین بر یک خاکبشهای بالا رفت و با فریاد چنین خواند:

با وجود آن شب حمانت بسه
با وجود آن شب رنج آور
خلوه گری میکنند داستان سبیز نو " کفر فاسم "
با همه آتشی که باران کوبه از آسمان فرو می ریزد
ما وجود گلونه هائی که به فراوانی از مسلسلها جاری بود
ما آمده ایم گرچه حصر مسلط، بسارسنگ در بین بایمان نهاد است...

این شعر به سال بعد در یکی از جلسات محفی شعرخوانی در منزل یک یهودی دوستدار فلسطین خوانده شد. آن نویسنده یهودی که سراسر شعور نام داشت از سبب شعر و شرح قتل و کشتار مردم بی باک " کفر فاسم " مغفلت شد و آن را به سبب ترخمه کرد و استنار داد.

این ترخمه بلوایی سیا کرد و گروه زیادی از یهودیان فلسطینی که از رژیم پلیسی - نظامی اسرائیل به سبب آمده بودند به نفع فلسطین نظاره تبار کردند. در این قصه سراسیم و صبح الفاسم زندانی شدند و آن شهبای شعر که روزی آمدی برای اغراب منطقه بود خود خودسسته شد. صبح الفاسم، سالها در زندان ماند ولی دست از سازش نکشد. شعری از او که در سال ۱۹۶۸ در زندان حفا، سروده شده شاکر این سازش نابردی اوست:

درد می کشم مادر...
که حسانت را اشک فرا میگیرد
هنگامی که دوستی در خانه رامی کوبد و از من می بزد
اسمان دارم که سکوه زندگی در زندان من زاده می شود
... و به دنبال این زندانها، زور خواهد آمد.

(باسلام)



چه کسی اسفال خاک را به بار می نشاند؟.....

بادی از آخرین صحنه های حیات سردار جنگل

آنها بستان بسه بودند که نابروزی خلق عوی سر و صورتشان را اصلاح نکنند

او مرگ را با آغوش باز میبدرد اصلا کلمه خود را به سببهای آن آکسند هرگز! **سردار چه در دوران مبارزاتش وجه بعد از مرگش بعنوان سمبل مقاومت و فداکاری و بار توده هادر اذهان جای گرفت** سردار بیکار دیگر عام فواسی را جمع کرد و مدتی هم افغان و حیران هم رزمش را بر دوش حمل کرد اما دیگر کاری از دستش ساخته نبود، آه سردی از دل برآورد سرت بر روی شاههاس حم شد و لنگهاس سنگس و فلش از طیش از ایستاد مدتی که معلوم نیست هقدر شاد جسد ساعت و ساید هم جند روز گذشت. مردی که از خلیلان غارم گیلان بود در مسیر راهش سببهای میبند، نزدیک می شود، او را می شناسد، او همان مردی است که ۷ سال حفاسه آفرید اما آغوش که دیر رسیده بود و آنها جان به جان آفرین تسلیم نموده بودند، با عجله خود را به نزدیکترین آبادی رساند فقیه میرزا را با مردم در میان گذاشت مردم متأثر شدند و حسد آنها را به آبادی آوردند. وقتی سپاه رضاخان قلدر که مدتها از میرزا کینه ای عمیق بدل داشتند سر رسید، آنچنان که گوئی، از حسد میرزا هم وحشت دارند، سرتش را از تن جدا کرده و مدتها در ملاعام به نمایش گذاردند، تا به این وسیله امید توده ها را نابود شده فطمداد نمایند. غافل از اینکه از خون هر شهید و الا مقام هزاران جوان اسلحه بدست می جوشد و میزرا و میرزاهای دیگری خلق میشوند.

سردار در شرایطی که مردم رجز دیده بر باز سم استعمار و فئودالیزم کفران حمده بود قیام کرد و قلب آنها را سحر و در اختیار خود گرفت و جبری بگفت که بعنوان ناجی مردم شناخته و اعتماد آنها را بحدو جلب نمود. اعتماد که محبول عشق میرزا به محروم و لایس برای استغای حقوق آنها بود، او باراش پیمان سته بودند که تا رسیدن به پیروزی و حاکمیت خلق موی سرتوستان را اصلاح نکنند و بر این پیمان سخت ایستادند و جان خود را فدا نمودند. در آخرس روز حیاتش همراه با همرم المائیش گائوک در حالی که رضا خان ودار و دستاش جون ترگان گرسنه در بی او می کشند در کوههای سبب راه خلیلان و گیلان با حطلات سیرحمانه بوران و طوفان مواحه شده و سراجام بر صربا خرد کسند سرما از پای درآیند. گائوک همرم وفادار المائیش زودتر از میرزا مقاومت خود را از دست داد و از حرکت باز ایستاد میرزا با وجودی که رفق چندانی نداشت می کوشید که رفیق و یار غارنش را که بسیار فداکار بود بر روی دوشهاس به آبادی برساند بعد از مدتی زانو او هم از فرط خستگی و سرما سست شد و به زمین افتاد، تمام عضلاتش از کار افتاد مگر مغزش که هم جان فعال بود و مگر ابرائی آزاد و توده های محرومی که عاشقانه دوستشان داشت. شاید اگر هم رزمش را همانجا که افتاده بود میکداشت و خود تنها ره می سپرد طوفانها و برف و باران را هم شکست میداد و علیرغم سفارشهای گائوک فداکاری و گذشت میرزا چنین آچاره ای را به او نمیداد. آخر دل میرزا که از محبت خالی نشده بود، و چون دشمنانش سنگدل نبود. اینجاست که جوهر واقعی انسان شاخته میشود،

خلوه خرابدندت حنان است

که آهوان از بساری نظاره حنک میشود
نو نفس ترین نرهدای هستی که سندان از کسمیر آورد
نو بزرگترین مرواریدی هستی که صنادی در "محرق" صد کرد
نو جوان نامگاه دمشق لمریز از سناره ای.

اما عسیر آن
نو آنجان خرابکاری هستی
که آهوان (یعنی پلیس اسرائیل که سانس بصورت گردن آهوس)
از دیدت خنک می شوند.
نفس ترین ترمه: اسلمه هائی که از مرز کشمر بوسله سووری به سفارت

ترا نه های مردمی نشانه ای از عشق توده به پیشانان و زنده اش می باشد

ادبیات آئینه تمام قد احساسات و عواطف خلق است. در ادبیات فولکلوریک میتوان تمام شکستها و پیروزیها، و پیشانان، دوستان و دشمنان خلق را و همه چیز را یافت. حفاسه سردار جنگل تأثیر تعیین کننده ای در اذهان توده های رنجبر خطه گیلان داشت.

مزدان و زبان دلبری که خود عصاره گار و زحمت و رنج بودند، هیچگاه سردار مسلح خویش را فراموش نگزده و همواره خاطره او را زنده نگاه داشتند. ترانه زیر که به زبان گیلکی سروده شده یکی از ترانه هائی است که یاد آور زنده جنگل سرخ گیلان میباشد.

جقد جنگل خوسی ملت واسی
می جان جانانا تراگوما میرزا کوچک خان
خدا دانه که من نتانم خفتن از ترس دسین
می دیل آویزانا تراگوما میرزا کوچک خان
چیره زودتر نیاشی - تند ترانی - تنها بنائی
گیلان ویران ترا گوم ای میرزا کوچک خان
بیا ای روح روان - تی ریشا قربان - بهم نوانان
تی کاس جومانا تراگوما میرزا کوچک خان
اوارشت جفلان - ایسیم تی فرمان - کنیم آمده جان
تی پاچیر قربانا، تراگوما میرزا کوچک خان.....

جقدر در جنگل می جوابی بخاطر ملت آیا خسته نشده ای؟
حقان من ترا گوم ای میرزا کوچک خان
خدا می داند که من نی توام بخوام از ترس دشمن
سند دلم پاره شده ترا گوم ای میرزا کوچک خان
چرا زودتر نیاشی نندرت نمائی تنها ره کرده ای
گیلان ویران ترا گوم ای میرزا کوچک خان
بیا ای روح روان قربان رشت کردم روی هم مبادا گذاری
جسبه ای زاعت را ترا گوم ای میرزا کوچک خان
ما چه های رشت به فرمان تو هشتم خانمان را می کشم
زیر پایت قربان ترا گوم ای میرزا کوچک خان

گزارش مصاحبه مطبوعاتی با "ولد صدیق" عضو فترسیا سی جبهه یولیساریو

این تعهد است برای جمهوری اسلامی که ما را از نظر مادی و معنوی حمایت کند

ماه اسلحه ایمان و وحدت مجیز هستیم

در روز چهارشنبه ۸۷/۹/۷ آقای ولد صدیق عضو دفتر سیاسی و معاون کشته روابط خارجی جبهه یولیساریو در یک مصاحبه مطبوعاتی که با حضور جمعی از خبرنگاران از جمله خبرنگار عمومی از خبرگزاری فارس، شرکت کرد و به سئوال‌آیات پاسخ گفت.

آقای "ولد صدیق" در آغاز هدف از مشاورت خود را به ایران و سپس برنامه‌های جبهه یولیساریو، وضعیت و شرایط و تاریخ مبارزات مردم صحرا را برای خبرنگاران تشریح کرد و در پایان به سئوال‌ات خبرنگاران پاسخ گفت.

ایشان در مورد سفر خود به ایران گفت: من به سائیدگی از طرف محمدتعالی‌عزیز، دبیرکل جبهه یولیساریو پناهی برای امام خمینی در رابطه با همسنگی مردم جمهوری غربی ایران دانستم. من احساس همسنگی و یکنواختی مردم صحرا را در رابطه با مبارزه صدامیرالیستی مردم ایران با خود آورده‌ام. و متغیلاً روحیه صد امیرالیستی مردم ایران را که به رهبری امام خمینی با امیرالیسم مبارزه میکنند برای مردم صحرا به اطمینان خواهم برد.

آقای "ولد صدیق" افزود: اغلات ایران باید از همسنگی و حمایت مردم صحرا و جبهه یولیساریو منطبق باشد. همسنگی عملی ما با اغلات ایران بطور مشخص در مبارزه آزادیبخش مردم صحرا بر علیه رژیم امیرالیستی مردم ایران را که به مراکز که از سوی امیرالیسم آمریکا حمایت نمود، بطور مستقیم است.

آقای "ولد صدیق" گفت: با مقامات ایرانی برای ایجاد دفتر جبهه یولیساریو در ایران تعاضباتی داشته و آنها قول داده‌اند که بروی دفتر جبهه در ایران گشتن خواهند داشت. بارند این دفتر باعث شود که روابط دو اغلات با یکدیگر مستحکم‌تر شود. ایشان تاریخ مبارزات مردم صحرا را این چنین تشریح کرد و گفت:

"جبهه یولیساریو مراحل مختلفی را پس بر گذشت است. مردم صحرا با دشمنان مختلفی روبرو بوده‌اند. آنها با استعمار مستقیم آسیای فانیست روبرو بوده‌اند و بالاخره پس از ۱۵ سال جنگ سیاسی - نظامی با آسیای و دادن شهدای شرفمندی آنها را محبور کردند که از سرزمین خارج شوند. پس از سرور راندن آسیانها بر اراکت و بورسیایی جای آسیا را گرفتند. آنها از شمال و جنوب با ارسپانها به سرزمین ما با یکدیگر آمدند. ما در همان زمان که با آسیا درگیر بودیم، مغرب و موریاتی به سرزمین ما حمله کردند. ما از لحاظ تعداد افراد بسیار کم بودیم و وسائل کمی در اختیار داشتیم. از اکتبر ۱۹۷۵ ملت ما با فشار نظامی مغرب و موریاتی روبرو شد. و مدت سه سال با دادن شهدای شرفمندی توانست موریاتی را که از طرف فرانسه حمایت می‌شد، محبور کند که از سرزمین ما خارج شود. و به فرزند صلیحی بین جبهه امروزی ملت ما از حکومت جمع ملک حسن که از طرف آمریکا حمایت نظامی - اقتصادی می‌نمود و به آخرین سلاحهای مدرن و پیشرفته مجهز است روبرو است.

در حال حاضر سروهای یولیساریو ابتکار عمل را در دست دارند و کاملاً در صحرا بر نیروهای مراکتی تسلط هستند. ما تا بحال ۲ هزار سرباز، افسر و خلبان مغربی را که برخی از آنان در زمان رژیم شاه در ایران آموزش دیده‌اند به اسارت گرفته و علاوه بر آن مقادیر زیادی اسلحه (که در میان آنها سلاحهایی که شاه به مغرب داده بود وجود دارد) از آنها به غنیمت گرفتیم. و بیش از ۸۰٪ از سربازان را آزاد کرده‌ایم.

تصمیم ملت صحرا اینست که تا رسیدن به استقلال و آزادی به مبارزه خود ادامه دهد، و برای رسیدن به این هدف همسنگی ملی و وحدت خلق لازم است. ما به اسلحه ایمان و وحدت مجیز هستیم.

سپس آقای "ولد صدیق" وضعیت صحرا را به لحاظ بین المللی تشریح کرد و گفت: سازمان وحدت افریقا، جنبش غیرمتهمدها و سازمان ملل متحد استقلال صحرا را به رسمیت می‌شناسند و جبهه یولیساریو را بعنوان تنها نماینده قانونی مردم صحرا قبول دارند. به رسمیت شناختن جمهوری

عربی دموکراتیک صحرا که خواست مردم صحراست. هرروز از طرف کنترول های جهان رو به گسترش است و تاکنون ۲۴ کشور جهان که در بین آنها ۲۵ کشور افریقائی وجود دارد، جمهوری عربی دموکراتیک صحرا را به رسمیت شناخته‌اند.

آقای "ولد صدیق" در ادامه سخنانی گفت: در حال حاضر سروهای یولیساریو در حال هجوم مسلحانه به پایگاههای مغرب هستند. این حمله را از ماه می ۱۹۷۶ شروع کرده و این یک هجوم سراسری است. ما تاکنون عملیات زیادی حتی در داخل خاک مغرب هم داشته‌ایم. از مپهرس و گسترده‌ترین این عملیات می‌توان عملیات شهید مصطفی ولد (دبیرکل سابق جبهه یولیساریو) و عملیات خوری بومین را نام برد.

اخیراً ما یک حمله وسیعی در جنوب مغرب داشته‌ایم و دو سرباز مغربی را که از طرف فرانسه به مراکز داده شده سربوگون کردیم. از اواخر سال ۷۷ و اوایل سال ۷۹ رژیم مغرب طشایان را محبور می‌کند که بدون حمله خارج پرواز کنند. ما در هنگام سقوط هواپیما رنده دستگیر شدیم.

یولیساریو در روبرو گشته (۵۸/۹/۶) صورت گرفته که بر علیه منابع معضات بوده است. سپرداری اراکت منابع از زمانیکه تحت اغلات سروهای مغربی درآمده صوبت گردیده، هدف از این عملیات شهید کردن اراکت های الکترونیکی مغربها در این مناطق بوده است.

پس از آن آقای "ولد صدیق" به سئوال‌ات خبرنگاران پاسخ گفت: خبرنگار: رابطه جبهه یولیساریو با کشورهای الحاریر، آسی و کوبا به چه صورت است؟

ولد صدیق: جمهوری عربی دموکراتیک صحرا با بسیاری از کشورهای جبهه‌ها رابطه دارد. رابطه صحرا با این کشورها بر اساس مناسبات عادی است که در چهارچوب مناسباتی انجام می‌گیرد که با اکثر کشورهای دسداریم آنها از مبارزات مردم صحرا هم‌طوریکه ملت ایران و سایر کشورها حمایت کرده حمایت میکنند. این وظیفه عام کشورهای است که برای جمهوری اسلامی ایران که ما حمایت کنند. هم‌طوریکه این تعهدی است برای جمهوری اسلامی ایران که ما را از نظر مادی و معنوی حمایت کند. خبرنگار: هیت هاشی کیست؟

از طرف جبهه یولیساریو به ایران آمده اند، ما آیت الله طالقانی ملاقاتهایی داشته‌ایم. اگر امکان دارد در مورد این ملاقاتها و مذاکراتی که صورت گرفته بوضوحی بدهید؟

ولد صدیق: بعد از پیروزی اغلات، هیت های مختلفی از طرف ما برای ایجاد رابطه به ایران آمده‌اند و این هیتها مذاکرات و ملاقاتهایی نیز با آیت اله طالقانی داشته‌اند. ما در ملاقاتها و مذاکرات با آیت اله طالقانی مانورهای ما که امیرالیسم می‌توانسته علیه انقلاب را و انقلاب ایران داشته‌اند مورد بحث و گفتگو قرار داده‌ایم. ما با ایشان مناسبات ویژه‌ای داشته‌ایم. آیت اله طالقانی نقطه نظرهای بسیار خوب و سازنده ای به ما داده‌اند. آیت اله طالقانی در دستا و دشمنان انقلاب ایران را خیلی خوب تشخیص می‌داد. آیت اله طالقانی یک شخصیت تاریخی است که مقام شامخی در تاریخ مبارزات کشورهای اسلامی دارد.

خبرنگار: روابطی که شما بعد از پیروزی انقلاب با دولت ایران داشته اید به چه صورت بوده است؟ و شما فکر می‌کنید چرا تا بحال اجازه ایجاد دفتر به جبهه یولیساریو داده نشده است، در حال حاضر انتظارات شما از دولت ایران چیست؟

ولد صدیق: مناسبات ما با انقلاب ایران و سران انقلاب ایران مربوط به امروز نیست... ما قبل از انقلاب با سران انقلاب ایران بوده‌ایم و این مناسبات پس از انقلاب رو به گسترش است.

در مورد بازگشائی دفتر جبهه مشکلاتی بوده که خارج از اراده ما و دولت ایران بوده است و ضمناً امکانات ما با امکانات سایر جنبشها قابل مقایسه نیست. مناسبات ما قبلاً خوب بوده و هم‌اکنون نیز خوب است و هیچ مشکل و دلسردی در این بین وجود نداشته است.

مبارزه‌ای که در ایران بر علیه امیرالیسم شروع شده کمکی است به ما

ما دشمن امیرالیسم هستیم. ما به تنها انتظار حمایت معنوی از ایران داریم بلکه انتظار حمایت مادی نیز داریم.

خبرنگار: آمورسهائی که جبهه یولیساریو به مردم صحرا در زمینه‌های مختلف سیاسی و... بویژه امیرالیسم می‌دهد به چه صورت است؟

ولد صدیق: امیرالیسم یک بنده جهانی است که حوی جهان حواری دارد. مردم ما وقتیکه بی سند مثلاً فرانسه هواپیماهای را و آمریکا هم اسلحه‌ها را که به مغرب می‌دهد، دیگر نمی‌توانیم که ملک حسن دست نشاندۀ امیرالیسم است. وقتی جنگی برای استقلال است بطور انوماتیک وار این جنگ بر علیه صانع امیرالیسم است.

از غطف نظر تمام مردم صحرا در این مورد اصلاح بحث و احتیاطی است. این یک جزر منطقی است که شهروند صحرا وقتی می‌سند که سرزمین در اغلات است و همه کشور های امیرالیستی مغرب را از لحاظ

اقتصادی و سلطنتی حمایت میکنند. از خودتی سئوال میکند که چرا آنها ابتکار را میکنند. مردم می‌فهمند. برایمان روشن است. در حین صحرا قابل قبول نیست که کسی اسلحه بدست بگیرد و خون خود را بریزد و جانش را فدا کند و بداند که چرا حتماً می‌داند چرا و برای چی! آقای ولد صدیق در پاسخ آخرین سئوال خبرنگاران در باره نظراتشان نسبت به اغلات ایران گفت: اغلات ایران یک اغلات مردمی و ضد امیرالیستی است و یک اغلاست قابل سرستی برای عتد کشورهای دیگر. سرست استعمار فرار دارند. یک اغلات عظیم بوده است. اغلاتی بوده که علاوه بر سرگونی رژیم حو اعوام، اسرائیلی امیرالیستها را هم درگون کرده است. ما پیروزی این اغلات را سرگونی می‌کنیم. پیروزی این اغلات، پیروزی اغلات ماست.

پس از اتمام سئوال‌ات خبرنگاران مصاحبه مطبوعاتی که در حدود ۲ ساعت طول انجامد پایان یافت.

الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم ايمانا وقالوا حسبنا الله ونعم الوكيل سائى که مردم به ایشان گفتند بترسید که توده‌ها را بر علیه شما مسلح کرده اند ولی آنها با ایمانی فراتر از پیش (بدلیل اعتقاد به درستی راه و قانونمند بودن حرکتشان) پاسخ میدادند "الله" یشتیان و بهترین یاور ماست. (آل عمران آیه ۱۷۳)

یاد مجاهد شهید بهجت تیفنکچی را گرامی بداریم



سه سال پس از اواض آذره

سه سال پس از اواض آذره یکی دیگر از رزمندگان مجاهد خلق در حالیکه آخرین گلوله‌های سلاح خود را به دست درخشان سربزیده امیرالیسم نشانه رفته بود به خاک و خون غلطید. بهجت (فاطمه) شفتگی از اعضای سال ۵۱ بود که توسط مجاهد شهید محمد شریف واقعی به عضویت سازمان مجاهدین خلق ایران درآمده بود. زندگی انقلابی این جواهر مجاهد سرتاسر تلاوت شور و ساراره حسگی ناپذیر بود بهجت در سال ۲۸ یک خانواده فقیر در همدان متولد شد. او در همان شهر به تحصیل پرداخت. سال ۴۸ برای ادامه تحصیل در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران راهی این شهر شد. بهجت از همان ابتدای ورودش به دانشگاه با شهید محمد شریف واقعی ارتباط داشت. در همین سالها بود که مطالعاتی درجهت انطباق با دیگران و مواضع سازمان مناسبات و فعالیتها سیاسی خود را مشخصاً در خدمت هدفهای سازمان کانالیزه و مستقیم نمود.

بهجت در اوالمی که در دانشکده تحصیل می‌کرد اردواج کرد. این اردواج که به مثابه یک پیوند انقلابی در سرتو مبارزه بود، بسیار ساده و در مسیر همان اهداف و آرمانهای مردمی و توحیدی‌اش صورت گرفت.

او در جنوب تهران و برخی شهرستانها اقدام به برپائی یکسری جلسات سیمه حقیقی به منظور آشنا ساختن دختران رزمنده و مجاهد با اهداف انقلابی و دیدگاههای ایدئولوژیکی سازمان کرد. جواهرانی که در آن جلسات شرکت می‌کردند بنیاد انقلابی قرآن درباره ربا، چه برداشت ها و درک عمیقی را از استعمار بدیشان ارائه میداد. استناد توحیدی او از ساله ربا بعنوان شکل ناب و تمام عیار بهره‌کشی انسان از انسان و موضع سرخشانه قرآن در اینمورد که ربا خوار را بعنوان کسی که با خدا اعلان جنگ داده معرفی می‌کند (باین نتیجه گیری منتهی می‌شود، که یک موجد راستین هرگز به شکوت و بی‌تفاوتی در برابر مناسبات ظالمانه استعماری و بهره کتی بهره‌خانه زحمتکش خلق مجاز

آشنایی با مردم صحرا و جنبش آزادیبخش آن "یولیساریو"

عامل استحکام جبهه گردیده است.

گسترش فعالیت‌های اجتماعی در درون جبهه باعث بوجود آمدن روحیه اجتماعی و تعاون بین مردم صحرا گشته. و این مسئله خود محرکه بعویت روحی و انسجام شکلائی جبهه گردیده است. باید اضافه کرد که شرایط سخت اردوگاه و سلطه حاکمان استعمار در مدت زمانی طولانی توان زدیی فراوانی به مردم بخشیده است.

در سال ۱۹۶۵ سازمان ملل متحد برای اولین بار رای به حقوق مردم صحرا داد. ولی این حق هیچ گاه از طرف استعمارگران رعایت نشد تا اینکه بدوام حطلات "یولیساریو" باعث شد که در ۲۲ تال سال ۱۹۷۵ هشتی را از سازمان ملل سئوال رسدگی به مسئله صحرا کند. این هشت طی بررسی خود با معاونت و خواست یکارچه و همه‌جانبه مردمی روبرو شد که کمکدا خواهان حاکمت بر سرزمین خود و نفی تسلط خارجی بودند.

این یکارچگی که "جبهه یولیساریو" در سازماندهی آن نقش عمده‌ای داشت موجب حورث آسیای و مردم جهان و سازمان ملل گردید. بعد از اعلام گزارین این هشت که از مناطق مختلف بازنده به عمل آورده بود. سازمان ملل دادگاه لاهه را فرا خواند. و در ۱۶ اکتبر ۱۹۷۵ دادگاه رای خود را به نفع ملت صحرا و نیپا صادره واقعی آن "جبهه یولیساریو" اعلام کرد.

در کنفرانس "بولین" که به منظور "تقسیم جهان بین قدرتهای اروپایی در سال ۸۸۵ تشکیل شده بود، اسامی نامیه هم صحرا را بعنوان مستعمره جدید خود تثبیت کرد.

که در میانها آواره و سرگردان بودند حجات دهد. سرعت نزدیک ۵ اردو گاه برای پیش از یکصد هزار زن و کودک و پسر تشکیل شد.

در این زمان موریاتی با حمایت فرانسه از جنوب شروع به حمله نظامی کرد. این حطلات اغلب با مقاومت های قهرمانانه‌ای از جانب مردم صحرا مواجه شدند. بطور مثال در شهر "لگویرا" جنگکاران موریاتی با ۱۲ روز مقاومت قهرمانانه مردم روبرو شدند. در این مقاومت مردم "لگویرا" حمله‌ها فرزند و اولین "شهید زن" را به خلق صحرا تقدیم کردند.

به بیکر رنده" خود عقیم گذاشت بدون تک. سازمان مجاهدین خلق ایران، با وجودیت خویش را در آن سالها مبرون رنج طاقت‌فرسا و پایداری و هوشتاری انقلابی و بین سنی و مکتبی همین اعمالی اضیل و پاکاخسته خود میداد. جواهران و برادران رزمنده‌ای چون تیفنکچی‌ها، هندسی‌ها، کوردی‌ها، مینودی‌ها و... که علیرغم رذیله‌ترین حطلات فرصت طلبانه و انواع فشارها و شکنج‌ات جاسوسانرند، هرگز از موضع کتا برسانه و انقلابی خود عدول نکردند البته مدانم که اصالت و خلوص ایدئولوژیکی که مجاهد جز در گره" همین اختلافات ناشت می‌رسد. این همان سیرد اعداد و کشتاکت‌ها و درگیریهایی است که لازمه کامل هر بدنده و از جمله تک سازمان انقلابی است. در این عرصه" هر هزار و سبت است. که بی نایب هر کس امتحان صداقت خود را می‌دهد. تا بطورم خودناح اداره دردهنها و ایدئولوژی سازمان حل شده و ما در او عین و باحالی وجود دارد. لاژندند هر کس که از این ضامی‌ها عبور می‌کرد، خالص بر مویژر تر گردید و در فار نالازی را با کامل و آسب با سیری فرار می‌گرفت. این قانون تکامل و سبت آفرین است این همان فلسفه روح و لا" است که سهدای ما بخاطر روح جان احمد و بهرمانان دلیر خلق شکجه شدند. فلسفهای که امام حسین (رحم) و سبایه سبکی این "لا" (حم) از اسیران ما در برابر رنج تمام آنهاهایی که چه سهد یا به انتظار شهادت، در سیر خدا و خلق، به متناق اغلاتی خود وفادار ماندند. این تکریم فرود می‌آوریم. اند که این سیرات حوسار گرانقدر مردمی و انقلابی پشتوانه راهی فرار گردد که هر مجاهد خلق را رسیدن راه "فله" نهائی پیروزی یعنی استغفار توحید و یگانگی اجتماعی ادامه خواهد داد. باد همه" شهدای محور خفته" خلق گرامی باد.

های جبهه دست یاریدندنا ماهید باطل و احزمامی این حواری را افتا" خاشه و بغات از جبهه" سزدمندان خاشان بودارند. بهجت در میان ایشان بودا و سایر جواهران و برادران مجاهدش در آن سالها رسالت بین سنگینی را در ادامه" راه شهدای با سنگدار سازمان بر عهده گرفتند. آنها در سه جبهه به مبارزه ادامه دادند: ۱- سرد سلحانه علیه رژیم شاه ۲- مبارزه سیاسی- انقلابی با عد خریان ایدئولوژیستی حتما ۳- اسنادگی در برابر یک حریان رست ارجحایی که آن سرتاعار و "والسلام" علیه موجودیت و ارزشهای سازمان شد علم کردند. هم‌اگاهی که باجوب "النفاط" محان مجاهدین افتاده و تا مرز غارتش با رژیم شاه میس رفتند.

خواهر مجاهد ما در تمام این صحنه‌های مبارزه همحانکه از یک مجاهد اصل انتظار می‌رود دلیرانه پایداری کرد. وار بونه آزماشین ها و اختلافات بزرگ سرفراز سیرون آمد.

اصالت و خلوص ایدئولوژیکی یک مجاهد جز در کوره آتشفشان توحیدی و استواری در اصول او بارزترین حطت‌های انقلابی بهجت بود. آنچه را که درست تشخیص میداد بدون کمترین تردید و سستی در عمل نگار می‌سست و هیچ عاملی نمی‌توانست او را از راهی کف‌آگاهانه انتخاب کرده است بازدارد.

مجاهد شهید بهجت تیفنکچی در ۱۵ آذر ۵۵ بوسله ماموران کشتی ساواک در حوالتی تهران پارس نشانی و تحت تعقیب فرار گرفت. بالاخره پس از ازماعنها تلاش و درگیری موفقی شد از تور پلیس میرون آید و در خیابان سقا باشی در محاصره دشمن قرار گرفت. او در یک نبرد کامل" نابرابر از مردوران ساواک بشدت زخمی دستگیر شد. اما در راه انتقال به بیمارستان با استفاده از قرض سناوری که به همراه داشت، به زندگی برافتخار خود خاتمه داد و در نتیجه تلاشهای دشمن را در دست‌یابی

تفکچی

